نشریه علمی (فصلنامه) «انرژی ایران»
دوره ۲۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۸۶-۴۷

بررسی حقوق رقابت در قوانین و مقررات جهان و ایران با تمرکز بر بازار برق

[۱] محمد حسین عسگری، [۲] ولی الله آئینه نگینی، [۳] علی زارع *

تاریخ دریافت:
۱۳۹۶/۴/۲۰

تاریخ پذیرش:
۱۳۹۷/۵/۲۶

کلمات کلیدی:
انحصار،
بازار برق،
حقوق رقابت،
شورای رقابت،
نهاد تنظیم کننده
مقررات بخشی.

چکیده

با باز شدن پای بخش خصوصی به عرصه‌های مختلف تولید و تجارت کالاها، اهمیت وضع قوانین بازدارنده و اعمال مجازاتهای لازم برای مبادرت‌کنندگان به رویه‌های ضد رقابتی مضاعف می‌گردد. به همین سبب، نهادهای قانونگذار همواره جهت صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان، رقبا و به طور کلی تمامی آحاد جامعه، اهتمام ویژه‌ای به وضع قوانین لازم در این زمینه و تشکیل نهادهای ناظر بر مسائل رقابتی در بازارها دارند. بر این اساس مطالعه و شناخت مباحث حقوقی و اقتصادی مرتبط با مسائل رقابتی بازارها به ویژه در زمینه خدمات و کالاهایی که دارای اهمیت خاصی در شئوون مختلف زندگی مردم بوده و پیشتر نیز در قالب خدمات عمومی از طریق صنایع دارای انحصار طبیعی ارائه می‌شده اند، از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌گردد. بازارهای انرژی به طور عام و بازار کالای برق به طور خاص، از این دست بازارها می‌باشند. در ایران، حقوق رقابت از مباحث نسبتاً جدیدی است که همزمان با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نیاز به شناخت دقیق از قوانین و مقررات در زمینه حقوق رقابت در کشورهای مختلف جهت الگوگیری و پیاده‌سازی در حوزه‌های گوناگون، این مقاله با اتخاذ یک رویکرد حقوقی و اقتصادی، با مطالعه مبانی حقوق رقابت در دنیا و ایران به ویژه در حوزه بازار برق ضمن اشاره به ویژگی‌های نهادهای کارآمد صیانت کننده از حقوق رقابت، برخی مشکلات بازار برق کشور را از دیدگاه حقوق رقابت بررسی می‌کند. مقایسه بازار برق کشور با بازارهای مطرح دنیا حاکی از وضعیت نسبتاً مطلوب شاخصهای ساختاری و وجود برخی مشکلات مقرراتی در بازار برق کشور است که نیاز توجه بیشتر به حقوق رقابت را نمایان می‌سازد. تاسیس نهاد تنظیم مقررات بخشی در حوزه برق علاوه بر رفع نواقص هیات تنظیم بازار برق می‌تواند نوید دهنده ایجاد یک برنامه جامع و کلان جهت انجام اصلاحات در صنعت برق کشور باشد.

۱. دانشجوی دکتری مالی بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
۲. کارشناسی ارشد مدیریت مالی
۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

۱. مقدمه

تا اواخر قرن بیستم میلادی، در اکثر کشورهای دنیا، زمانی که مصرف‌کنندگان قصد خریداری انرژی الکتریکی را داشتند باید آن را از شرکت برقی[1] می‌خریدند که انحصار عرضهٔ برق را در منطقه‌ای که این مصرف‌کنندگان در آن واقع شده بودند، در اختیار داشت. بعضی از این شرکت‌های برق، دارای ساختار یکپارچه و عمودی[2] بودند، به این معنا که آنها انرژی الکتریکی را تولید کرده، آن را از نیروگاه‌ها به مراکز بار منتقل و بین مصرف‌کنندگان اختصاصی خود توزیع می‌کردند. در بعضی مناطق دنیا، این شرکت‌ها به صورت خصوصی اداره می‌شدند، در حالی‌که در سایر کشورها، این شرکت‌ها به صورت عمومی و یا بنگاه‌های دولتی مدیریت می‌شدند. در این ساختار، صرفنظر از نوع مالکیت و سطح تجمع ساختار عمودی، انحصار جغرافیایی در صنعت برق معمول بود.

در دههٔ ۱۹۸۰، برخی از اقتصاددانان بحث در این مورد که دوره این مدل انحصاری به سر آمده است را آغاز کردند. آنها بیان می‌کردند که حالت انحصاری شرکت‌های برق، انگیزهٔ عملکرد کارآ را از بین برده و سرمایه‌گذاری‌های غیرضروری را در بر داشته است. همچنین استدلال می‌کردند که هزینه اشتباهاتی که شرکت‌های برق انحصاری مرتکب می‌شوند، نباید به مصرف‌کنندگان منتقل شود. از سوی دیگر، شرکت‌های برق عمومی، اغلب با دولت‌ها پیوند نزدیکی داشتند. از این رو، سیاست می‌توانست در اقتصاد کالا، مداخله کند. این اقتصاددانان پیشنهاد کردند در صورتی که به جای تنظیم انحصاری و سیاست‌های دولت، عرضهٔ برق، هدف قوانین بازار واقع شود، قیمت‌ها پایین‌تر آمده و کل اقتصاد از این امر، بهره مند خواهد شد. بر همین اساس، این پیشنهاد در متن مقررات‌زدایی[3] اقتصاد کشورهای غربی گنجانده شد. پیش از آن که توجه‌ها به سمت صنعت برق معطوف شود، این حرکت در حوزه خطوط هوایی، حمل و نقل و صنعت گاز تأثیر گذاشته بود. در تمام بخش‌های مذکور، تصور می‌شد که بازار کنترل شده یا انحصاری، کارآترین شیوهٔ تحویل این محصولات یا خدمات به

1. Utility
2. Vertically Integrated Utilities (VIUs)
3. Deregulation

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

مصرف‌کنندگان است. همچنین تصور بر این بود که خصوصیات ویژهٔ این کالاها و خدمات، داد و ستد آنها را در بازارهای آزاد با مشکل مواجه می‌کند. اما از سوی دیگر، طرفداران مقررات‌زدایی استدلال می‌کردند که ویژگی‌های خاص این محصولات، موانع غیرقابل عبوری نیستند و با آنها نیز باید مانند سایر کالاها رفتار نمود (Kirschen et al., 2004, 2).

آنها استدلال می‌کردند اگر شرکت‌ها، مجاز به رقابت آزادانه برای عرضهٔ برق باشند، سود حاصل از این رقابت، در نهایت نصیب مصرف‌کنندگان خواهد شد. علاوه بر آن، شرکت‌های رقیب نیز در نهایت به دنبال فناوری‌های مختلف و ارتقاء سطح خدمات و کاهش هزینه‌ها می‌روند. بدین ترتیب ایده تجدیدساختار، مقررات زدائی و خصوصی‌سازی در صنعت برق شکل گرفت. هدف از تجدید ساختار در این صنعت، جداسازی اجزای مختلف زنجیره عرضه برق و واگذاری بخش‌های رقابت پذیر آن به سازوکار بازار است. در واقع تجدید ساختار در راستای تسهیل و تقویت رقابت در مواردی است که از نظر سیاست‌گذاری رقابت‌پذیر محسوب می‌شوند. (منظور و نیکان، ۱۳۹۱). بر این اساس بخش‌های تولید، توزیع و انتقال که ارکان اصلی صنعت برق هستند در جریان تجدید ساختار از یکدیگر تفکیک می‌شوند و فعالیت‌های ذاتاً انحصاری از فعالیت‌های رقابت پذیر جدا می‌شوند تا محیط و بستر مناسبی برای رقابت فراهم گردد (منظور و عسگری آزاد، ۱۳۸۷).

نخستین بار شیلی در سال ۱۹۸۱ با تجویز بانک جهانی اقدام به تجدیدساختار در صنعت برق خود نمود و پس از آن به سرعت آرژانتین و سایر کشورهای آمریکای جنوبی گام در عرصه انحصارزدائی از ساختار صنعت برق خود نهادند. در اروپا، بریتانیا از پیشگامان ایجاد رقابت در صنعت برق بود. در سال ۱۹۴۷ با ملی شدن صنعت برق در بریتانیا ، بیش از ۵۷۰ سازمان دولتی و خصوصی دخیل در تولید، انتقال و توزیع برق این کشور، تحت مالکیت دولت قرار گرفت. تا قبل از تجدید ساختار صنعت برق بریتانیا، هیأت تولید مرکزی برق[1] مالکیت تجهیزات و تاسیسات تولید و انتقال را در کل انگلستان و ولز در اختیار داشت و به فروش انرژی به ۱۲ هیأت برق منطقه‌ای می‌پرداخت که مسئولیت توزیع و عرضه برق را برعهده داشتند. در این دوره، صنعت برق انگلستان شاهد افراط در وضع قوانین و سیاست‌های

1. Central Electricity Generating Board (CEGB)

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

دولتی متناقض و دخالت‌های زیاد دولت بود، برای مثال دولت در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی به ترویج برق هسته‌ای پرداخت، در دهه ۷۰ به اعمال فشار برای کاهش قیمت‌های برق همت گمارد و در کل این دوره نیز سیاست بلندمدتی در راستای حمایت از واحدهای ذغال‌سنگ سوز داشت. با آغاز دهه ۸۰، بسیاری از شرکت‌های ملی‌شده در انگلستان به دلیل مدیریت نامناسب، قیمت بالای تحمیلی مواد اولیه و دخالت‌های مفرط دولت در اقتصاد، به ورطه‌ی ورشکستگی افتاده بودند. اولین قدم‌ها برای ایجاد رقابت در صنعت برق انگلستان توسط دولت تاچر و از طریق قانون برق در سال ۱۹۸۳ صورت گرفت. مطابق این قانون، انحصار قانونی هیأت مرکزی تولید برق بر بخش تولید از بین می‌رفت و بازار به روی تولیدکنندگان خصوصی گشوده می‌شد. (Abd Jamil et al., 2007, 151) .

در ایالات متحده آمریکا با وجود آنکه در اکثر ایالت‌ها، صنعت برق دارای مالکیت خصوصی بود اما همچنان ساختار انحصاری در این صنعت حکمفرما بود تا اینکه تلاش‌هایی اساسی جهت رفع این انحصار در دولت بیل کلینتون انجام پذیرفت. در این کشور، قانون انرژی در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۹۲ به صورت رسمی توسط رئیس جمهور وقت آمریکا به امضا رسید. پس از آمریکا تجدیدساختار ابتدا در کشورهای استرالیا و کانادا و متعاقب آن در سایر کشورهای اروپایی و آسیایی نیز پیگیری گردید.

همگام با گرایش جهانی به سمت مقررات زدایی و تجدید ساختار صنعت برق و همچنین جوابگو نبودن سیستم انحصاری سنتّی برای تامین تقاضای برق، بازار برق ایران با ابلاغ آیین نامه "تعیین روش، نرخ و شرایط خرید و فروش در شبکه برق کشور" توسط وزیر وقت نیرو در تاریخ ۸۲/۸/۱ راه اندازی گردید.

در بازار برق کشور، شرکت مدیریت شبکه برق ایران به عنوان بهره‌بردار مستقل سیستم، نقش آژانس خرید را ایفاء می‌نماید. از بارزترین مشخصه‌های بازار برق ایران می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مدل بازار در بازار برق ایران، بازار روز بعد است.
- مدل حراج در بازار برق ایران، حراج یکطرفه است.
- پرداخت به فروشندگان بر مبنای روش پرداخت به ازای پیشنهاد است.
- بازار برق ایران، بازار عمده فروشی است.
- نرخ خرید از بازار برق ایران به شکل یکنواخت و بر اساس قیمت تسویه بازار است.
- پرداخت بابت خدمات انتقال بر مبنای آمادگی صورت می‌پذیرد (Asgari et al., 2010, 3).

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

هر چند از دلایل عمده ناکارآمدی سیستمهای سنتّی برق، عدم وجود رقابت بین بازیگران، نبود انگیزه کافی برای نوآوری و جلب سرمایه برای توسعه سیستمهای موجود و همچنین وجود انحصار در صنعت برق عنوان می‌شود، اما بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان بر این باورند که با تجدیدساختار و مقررات زدایی در صنعت برق، تنها برخی از این مشکلات تا حدی حل می‌شوند اما حصول به رقابت کامل در بازارهای برق با توجه به ویژگیها و خصوصیات خاص این کالا چندان عملی نیست و این موضوع اهمیت پرداختن به مباحث مرتبط با حقوق رقابت و وجود نهادهای پایش‌کننده و ناظر بر این بازارها را مضاعف می‌نماید.

علاوه بر این توسعه رقابت در بازارهای برق اگر چه موجب ایجاد مزایای متعددی برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان می‌شود، اما همواره این دغدغه را ایجاد می‌نماید که به دلیل عدم توانایی تشکیل یک بازار رقابت کامل، مشکلات جدی در استمرار تامین برق با قیمت مناسب در شبکه رخ دهد.

تعاریف گوناگونی برای اقدامات ضد رقابتی (رقابت گریزی) ارائه شده است، اما به سادگی می‌توان آن را به صورت "توانایی تغییر سودآور قیمت به بالاتر از سطح رقابتی" تعریف نمود. اختلافات موجود در این تعاریف بیشتر مربوط به مدت زمان اعمال رقابت گریزی و الزام سودآور بودن اقدامات رقابت گریزانه است. به هر حال آنچه مسلم است این است که رقابت‌گریزی موجب انتقال ثروت از مصرف کنندگان به تولیدکنندگان و تحمیل زیان ثابت[1] (کاهش رفاه اجتماعی کل ناشی از اعمال رفتارهای ضد رقابتی) می‌شود.

هر چند حقوق رقابت دارای سابقه طولانی همپای سابقه فعالیتهای تجاری و بازرگانی بشر می‌باشد اما ورود آن به عرصه تامین برق به چندین دهه قبل و پس از ایجاد بازارهای برق بازمی‌گردد. بروز برخی نتایج نامطلوب و بحران‌ها پس از ایجاد بازارهای برق در برخی مناطق دنیا اهمیت پرداختن به موضوع حقوق رقابت را در فضای تجدیدساختاریافته صنعت برق بیشتر می‌نماید. علیرغم اینکه مطالعات زیادی در حوزه مسائل رقابتی و اقتصادی بازارهای برق در دنیا و ایران انجام پذیرفته است، در این مقاله سعی می‌شود با اتخاذ یک رویکرد حقوقی، به بررسی پیشینه و چارچوبهای قانونی حقوق

1. Deadweight Loss

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

رقابت در دنیا به ویژه در حوزه بازارهای انرژی پرداخته شود. همچنین این چارچوب در قوانین و مقررات کشور نیز مورد بررسی قرار گرفته و در مورد نهادهای پیش‌بینی شده و پیشنهادی جهت نظارت بر حسن اجرای حقوق رقابت در حوزه بازار برق و الزامات آنها نیز مطالبی ارائه می‌گردد.

۲. اهمیت مضاعف پرداختن به حقوق رقابت در بازارهای برق

هر چند بروز تجدید ساختار در صنعت برق، روز به روز این بازار را با وجود تفاوت‌های ماهوی و ساختاری‌اش به سایر بازارهای کالایی نزدیک می‌کند (صادقی و بیابانی خامنه، ۱۳۹۴)، اما در حقیقت سئوال اساسی که در حوزه تجارت برق مطرح می‌شود این است که آیا اساساً امکان برقراری رقابت برای کالایی مانند برق امکان پذیر است یا عوامل و ویژگی‌های این کالا و عرضه‌کنندگان آن شامل موارد زیر، مانع از ایجاد رقابت برای بازار این کالا می‌شود.

- برق کالایی است که بر خلاف سایر کالاها، امکان ذخیره‌سازی آن وجود ندارد (ذخیره‌سازی برق به غیر از برخی موارد نادر، بسیار پرهزینه است و محدودیتهای فنی زیادی دارد)، بنابراین برخلاف بازار سایر کالاها امکان تزریق برق ذخیره شده برای تنظیم بازار در زمان کمبود عرضه وجود ندارد، این موضوع باعث می‌شود پاسخ سمت عرضه نسبتاً غیر کششدار (غیر حساس) باشد.
- قدرت پاسخگویی سمت تقاضا به افزایش قیمت برق بسیار محدود است. بنابراین کشش (حساسیت) قیمتی تقاضا در بازار برق ناچیز است و مصرف‌کنندگان نمی‌توانند برای محدود کردن رقابت‌گریزی تولیدکنندگان، سطح مصرف خود را تنظیم نمایند. European Electricity Transmission System Operators (ETSO), 2004, 5)

این ویژگی‌های خاص اهمیت نظارت و توجه بیشتر به مسائل مرتبط با حقوق رقابت را در بازارهای برق پیچیده‌تر و دشوارتر می‌نماید.

نکته دیگری نیز که باید در خصوص مسائل رقابتی در بازارهای برق مدنظر داشت این است که هر چند افزایش رقابت در صنعت برق به طور کلی سبب بهبود فضای کسب و کار می‌گردد ولی به آثار منفی جانبی ناشی از افزایش بی ضابطه رقابت نیز باید توجه داشت. این آثار سوء عمدتاً ناشی از اهمیت استراتژیک و راهبردی برق به عنوان یک زیر ساخت اساسی در تمام جنبه‌های صنعت و زندگی روزمره انسان و به عبارت دیگر تبعات اجتماعی و سیاسی ناشی از رقابت بی قید و شرط و نامحدود در تعیین

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

قیمت و فرآیند تخصیص برق می‌باشد. از جمله نمونه‌های این آثار منفی را می‌توان در تجدید ساختار بازار برق کالیفرنیا و بحران خاموشی‌های گسترده در این ایالت در سال ۲۰۰۰ مشاهده نمود. تجدید ساختار در این ایالت از سال ۱۹۹۵ میلادی شروع شد و سبب رونق و توسعه شرکت‌های خصوصی و ورود شرکت‌های چند ملیتی به بازار برق این ایالت گردید اما به دنبال افزایش تقاضای برق در سال ۲۰۰۰ میلادی، به واسطه عدم وجود محدودیتهای الزام آور برای تولیدکنندگان و نظارت کافی بر آنها، علاوه بر خاموشی های گسترده، قیمت‌های برق بیش از ۷۰۰ درصد افزایش یافت و ضررهای هنگفتی به شرکت‌های تامین کننده برق مشترکین وارد گردید. در این دوره، بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده با تمسک به اصل آزادی بی قید و شرط برای رقابت (افزایش رقابت) نسبت به صادرات برق به سایر ایالتها با قیمت‌های بالاتر اقدام می‌نمودند این مضایقه عرضه در کالیفرنیا که با افزایش تقاضا به علت گرمای بی سابقه و استفاده از سیستم‌های تهویه مطبوع مقارن شده بود موجب اوج گرفتن بیشتر قیمت‌ها گردید. این کمیابی عرضه در کنار سقف قیمتی بالا برای تولید کنندگان در محدوده ۷۵۰ دلار بر مگاوات ساعت، بسیاری از تولیدکنندگان را به ارائه قیمت‌های بالا وسوسه می‌نمود. در چنین شرایطی بسیاری از شرکتهای تامین برق که پیشتر با قیمت‌های ثابت متعهد به تامین برق مصرف کنندگان خرد بودند، دچار زیانهای هنگفت شدند. همچنین بسیاری از صنایع و مصرف کنندگان که پیشتر در قرارداد خود با شرکتهای تامین برق توافقنامه کاهش و قطعی برق در صورت افزایش قیمت‌ها را پذیرفته بودند (به علت پیش‌بینی احتمال وقوع کم)، امکان استفاده از برق را در مدت زیادی از این دوره از دست دادند. از سوی دیگر بسیاری از صنایع پر مصرف برق مانند کارخانجات آلومینیوم و فولاد نیز که پیشتر برق خود را در قالب قراردادهای دوجانبه تامین کرده بودند، با تعطیلی کارخانه و اخراج کارکنان و در عوض فروش برق خریداری شده سودهای کلانی بدست آوردند. تبعات اجتماعی و نارضایتی عمومی ناشی از افزایش سرسام آور قیمت برق که از یک سو باعث اخراج کارکنان کارخانجات و قطعی گسترده برق در برخی صنایع شده بود در کنار ورشکستگی شرکت‌های تامین برق،

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

در نهایت نهاد تنظیم‌کننده مقررات انرژی در آمریکا[1] را وادار به تخطی از اصول خود و مداخله در بازار با اعمال روشهای مختلف نمود (شرکت مهندسین مشاور موننکو ایران، ۱۳۹۲).

مضاف بر موارد فوق‌الذکر، عوامل بوجود آورنده رفتارهای ضد رقابتی در بازارهای برق متعددتر و متنوع‌تر از سایر بازارها می‌باشند. برای نمونه علاوه بر تسلط بازار و تبانی که دو عامل مهم بروز رفتارهای ضد رقابتی در کلیه بازارها محسوب می‌شوند، کمیابی عرضه (در شرایطی که سطح تقاضا به کل ظرفیت تولید نزدیک باشد، حتی در بازارهایی که تسلط بازار وجود ندارد نیز ممکن است، رفتارهای ضد رقابتی ظهور پیدا کند) و محدودیتهای سیستم انتقال از دیگر عوامل اختصاصی به وجود آورنده رقابت گریزی در بازارهای برق محسوب می‌شوند. پرشدگی در سیستم انتقال مانع از یکپارچگی بازار می‌شود و می‌تواند موقعیتهای نابرابر و غیر رقابتی برای بعضی بازیگران ایجاد کند. عواملی دیگری از قبیل تعداد بسیار کم شرکت‌کنندگان در بازارهای برق و نیاز به هزینه‌های سرمایه‌گذاری زیاد برای ورود به عرصه رقابت در سمت تولید نیز امکان بروز رفتارهای رقابتی را در بازارهای برق تشدید می‌نماید.

مروری به مطالب فوق، اهمیت پرداختن به مباحث حقوق رقابت، وضع قوانین و مقررات مرتبط در این زمینه و وجود یک نهاد نظارتی برای بررسی و سنجش سطح رقابت و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی در بازارهای برق را مضاعف می‌نماید. در ادامه، اصول و کلیات حقوق رقابت و قوانین و مقررات مربوطه در دنیا و کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند و در خلال آن به امور مرتبط با مباحث رقابتی بازارهای برق اشاره می‌شود.

۳. نگاهی به اصول و قواعد حقوق رقابت (قوانین ضد انحصار) در دنیا

رقابت به معنای تلاش دو یا چند طرف برای بدست آوردن کار، محصول یا یک امتیاز تجاری متعلق به ثالث با پیشنهاد شرایط بهتر می‌باشد. همچنین رقابت را می‌توان به صورت تلاش دو یا چند رقیب جهت انجام امری واحد به طور همزمان تعریف نمود (آقائی، ۱۳۸۷، ۲۷۲). حقوق رقابت[2]، شاخه‌ای از

1. Federal Energy Regulatory Commission (FERC)
2. Competetion Law

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

علم حقوق است که سعی دارد با قانون‌مندسازی رویه‌های رقابتی، موارد سوء استفاده از موقعیت برتـر و قدرت انحصاری در بازارهای مختلف را محدود نماید. این شاخه از علم حقوق در آمریکا به حقـوق ضـد تراست (قوانین ضد انحصار)[1] موسوم است (Oxford dictionary of Law, 2010, 91).

تاریخچه حقوق رقابت (قوانین ضد تراست) به چندین قرن قبل باز می‌گردد. بـه عنـوان نخسـتین نمونه، در زمان امپراطوری رم، قانون Zeno، مقرّراتی پیرامون صیانت از حقوق رقابت ایجاد کـرده بـود. در اواخر قرن نوزدهم با تصویب قانون شرمن (Sherman Act 1890) در ایالات متحده آمریکا، نقطـه عطفی در قوانین ضد انحصار پدید آمد و آثار آن رفته‌رفته به کشورهای اروپایی نیز گسـترش یافـت. در جوامع اروپایی پس از جنگ جهانی دوم مساله حقوق رقابـت رسـمیّت بیشـتری یافـت و در معاهـده رم (۱۹۵۷) و با تأسیس جامعه مشترک اقتصادی اروپا[2] مورد توجه بیشتری قرار گرفت. امروزه این قواعـد شکل منسجم و منظم‌تری به خود گرفته است. در حقوق کشـور فرانسـه، آزادی رقابـت (قـانون ۱۷۹۱ Allard)، نتیجه اصل آزادی تجارت و صنعت است و طبق آن هر شخص آزاد اسـت بـه شـغل و هنـر مورد علاقه‌اش بپردازد وی همچنین آزاد به هدایت بنگاه به میل خویش می‌باشد (قدک، ۱۳۸۷، ۱۵).

به طور کلی، مکاتب و نظریات مطرح در حقوق رقابت را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

- **مکتب هاروارد:** که معتقد است جهت حفظ رقابت بایستی لزوماً سیاسـت‌هـای کنترلـی از طرف دولت وجود داشته‌باشد و وضع مقرّرات نظارتی و کنترلـی نیـز توسـط دولـت صـورت پذیرد.
- **مکتب شیکاگو (اتریشی):** مطابق این نظریه، کنترل بازار باید بـه دسـت خـود تجّـار و فعالین بازار باشد و در نهایت حاکم یعنی کسی که کنترل بازار را بدسـت مـی‌آورد، بنگـاهی است که نسبت به سایرین کارآمدتر می‌باشد.
- **مکتب کلاسیک:** این نظریه به عدم مداخله دولـت توجـه دارد و آزادی رقابـت را مرهـون آزادی طبیعی می‌داند که به شکل عادی و بدون دخالت، خود به خـود توسـط دسـت پنهـان بازار پدیدار می‌شود.

1. Antitrust Law
2. European Economic Community

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

یکی از اهداف اصلی و اساسی حقوق رقابت، مبارزه با انحصار نامطلوب است زیرا در شرایطی منجر به تحمیل خواسته‌ها و قدرت یک بنگاه گشته و فضای سالم رقابتی را در بازار مختل می‌سازد و مسلماً پیامدهایی چون رکود اقتصادی و تحمیل ضرر به مصرف‌کننده یا بنگاه‌های متوسط و کوچک را به دنبال دارد. هدف از حقوق رقابت نیز مقابله با چنین انحصاری است امّا باید توجه داشت گاه بسته به برخی شرایط خاص، انحصارها موجه و قانونی تلقی می‌شوند که این امر در موارد خاص از کشوری به کشور دیگر متفاوت می‌باشد و مسلماً امکانات، درجه توسعه یافتگی، قوانین و مقرّرات هر کشور در این راستا تأثیرگذار هستند.

انحصارهایی که معمولاً در قوانین دنیا از قاعده کلی منع انحصار مستثنی می‌شوند، عبارتند از:

- **انحصار طبیعی:** " وضعیتی از بازار که یک بنگاه به دلیل نزولی بودن هزینه متوسط می‌تواند کالا یا خدمت را به قیمتی عرضه کند که بنگاه دیگری با آن قیمت قادر به ورود یا ادامه فعالیت در بازار نیست.[۱] "

این شکل از انحصار به دلیل وجود منافع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... توجیه می‌گردد. در گذشته قویاً این باور وجود داشت که ساختار برخی صنایع مثل آب، برق یا گاز وجود چنین انحصاری را می‌طلبد چون در غیر این صورت این صنایع غیر کارآمد گشته و هزینه‌های زیادی در بر خواهند داشت.

- **انحصار قانونی:** " وضعیتی از بازار که به موجب قانون، تولید، فروش و یا خرید کالا و یا خدمت خاصی در انحصار یک یا چند بنگاه معین قرار می‌گیرد.[۲] "

به غیر از این موارد، وجود انحصار می‌تواند موجب شود که یک مؤسسه تجاری از رقابت مؤثر با رقبای خود خودداری نموده و به طور قابل ملاحظه‌ای مستقل از رقبای خود عمل کند و از آنها پیشی بگیرد. به طور کلی، دو دسته عمده از رویه‌های ضد رقابتی شامل ممنوعیت بقای سازش و تفاهم‌ها (تبانی‌ها) و ممنوعیت سوءاستفاده از موقعیت اقتصادی می‌باشد.

---

۱ . بند ۱۳ ماده ۱ لایحه کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

۲ . بند ۱۴ ماده ۱ لایحه کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

سازش‌ها یکی از قدیمی‌ترین اشکال رویه‌های ضد رقابتی هستند. این موارد در ماده ۸۱ معاهده سیاست رقابتی اتحادیه اروپا مورد اشاره قرار گرفته و در آن بنگاه‌ها و افراد از انجام و اتخاذ توافقات[1]، تصمیمات[2] و اقدامات دسته جمعی[3] منع شده‌اند.

ماده L-420-1 قانون تجارت فرانسه نیز کلیه رفتارهای هماهنگ، قراردادها، سازش‌ها (به شکل صریح یا ضمنی)، اتحاد و الحاقی را که موضوع آن ممانعت، تحدید یا اختلال در رقابت آزاد بازار داد و ستد باشد را منع کرده است.

به طور معمول در تبانی، سازش‌ها و تفاهمات، تعداد تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و خریداران متعدد می‌باشند که در قالب سازش‌های قراردادی، سازمانی و یا توصیه نامه‌ای باعث ایجاد اختلال در رقابت می‌گردند. در حالیکه در صنعت برق به علت شرایط ویژه این صنعت همچنین معدود بودن تعداد بازیگران، معمولاً بروز رفتارهای غیر رقابتی از طریق تشکیل کارتل‌ها و انجام تبانی بین بازیگران انجام نمی‌پذیرد و بیشتر رفتارهای غیر رقابتی از سوء استفاده از موقعیت اقتصادی برتر بازیگران مسلط بر بازار نشات می‌گیرد.

ماده ۸۲ معاهده سیاست رقابتی اتحادیه اروپا به سوءاستفاده از موقعیت انحصاری در بازارهای خاص اشاره کرده است. در این ماده آمده است که گاه یک بنگاه اقتصادی در بازار دارای شرایطی می‌گردد که گویی نقش رهبر را بر عهده دارد و به تبع آن می‌تواند قیمت‌ها را تعیین یا تثبیت کند یا میزان تولید و عرضه را مشخص نموده، شرایط غیر منصفانه‌ای را بر بازار تحمیل نماید یا از ورود و خروج برخی بنگاه‌ها جلوگیری کند. سوءاستفاده از موقعیت عمدتاً به از طریق سوءاستفاده از موقعیت برتر، سوءاستفاده از وابستگی اقتصادی و رویه سوءاستفاده گرایانه قرار دادن قیمت‌ها در سطح پایین[4] انجام می‌پذیرد.

1. Agreements
2. Decisions
3. Concerted practices

۴. در این حالت، قیمت فروش محصول به گونهٔ سوء استفاده گرایانه‌ای نسبت به هزینه‌های تولید، تبدیل یا هزینه عرضه کمتر تعیین می‌شود که در نهایت نتیجه آن حذف یک بنگاه یا یک محصول یا ممانعت از ورود آنها به بازار می‌باشد.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

مواردی که در این معاهده از آنها به عنوان سوءاستفاده ذکر شده است، جنبه حصری ندارند زیرا در متن معاهده از واژه "می‌تواند" استفاده شده است. آنچه در احراز سوءاستفاده مهم است میزان سهم بنگاه و مدت وجود انحصار و میزان آزادی عمل وی می‌باشد. (شکوهی، ۱۳۸۱، ۲). در رابطه با اثبات سوء استفاده، اغلب به بررسی محصول و محدوده جغرافیایی مربوطه و تحت انحصار توجه می‌شود و اینکه آیا محصول مورد نظر قابلیت جایگزینی توسط کالای دیگر را دارد یا خیر و شرایط تأثیر آن در بازار عرضه و تقاضا چگونه است.

در حقوق فرانسه (ماده L – 420-2)، سوءاستفاده از موقعیت مسلط بر بازار داخلی یا بخش اساسی آن توسط یک بنگاه یا گروهی از آنها ممنوع است. در این حالت اولاً بنگاه باید واجد موقعیت برتر بوده و از استقلال عمل برخوردار باشد تا بدون اینکه متضرر گردد شرایط نفوذ و قدرت خود را بر بازار تحمیل کرده و فضای رقابت سالم را مختل نماید و ثانیاً از این موقعیت سوء استفاده به عمل آورد. این سوء استفاده می‌تواند رفتاری باشد مثل قطع روابط تجاری، تعیین قیمت در سطح بالا و یا سوء استفاده ساختاری. در این حالت شرایط رقابت و ساختار بازار مختل می‌شود، به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که با کاهش قیمت یا ایجاد قراردادهای انحصاری، رقبای تازه از بازار خارج شده و یا بنگاه‌های کوچک ورشکست می‌شوند.

در حقوق فرانسه بر خلاف حقوق اتحادیه اروپا استثنائاتی بر قواعد کلی مذکور شامل تجویز قانون و پیشرفت اقتصادی (در این حالت، وجود موقعیت انحصاری به دلیل دستیابی به سود عادلانه توسط مصرف کننده، مجاز تلقی می‌گردد) مورد پذیرش قرار گرفته است.

در صنعت برق نیز مشابه اکثر صنایع، وجود انحصاری که موجب سوء استفاده برخی بازیگران مسلط از شرایط بازار گردد، ممنوع است و موجب سپردن نظارت بر آن به دولت یا نهادهای غیرانتفاعی مستقل می‌گردد. انحصار در هر دو بخش خصوصی و دولتی قابل تصور است لذا باید در هر بخش به شرایط و چهارچوب‌های تعدیل کننده آن توجه داشت مگر در شرایط خاص مانند سیستم انتقال که جلوگیری از اعمال تبعیض ناروا، وجود انحصار دولتی در این بخش را توجیه می‌کند.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

۳-۱. اهداف حقوق رقابت

حقوق رقابت دارای اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی می‌باشد. شناخت این هدف ها و تحقق آنها تا حد زیادی بر تحلیل‌ها، توجیهات و استدلالات اقتصادی استوار است. به صورت کلی اهداف اقتصادی حقوق رقابت عبارتند از:

- کارایی اقتصادی: تقریباً مورد اتفاق همگان است که حقوق رقابت باید به دنبال افزایش کارایی اقتصادی باشد و قواعد آن در این راستا اعمال شوند. بدین معنی که در تمییز اعمال ضد رقابتی از غیر آنها ملاک باید کارایی باشد؛ اگر عملی موجب افزایش کارایی شود مجاز و در غیر این صورت، ضد رقابت و ممنوع خواهد بود.
- افزایش رفاه اجتماعی: یکی دیگر از اهدافی که برای حقوق رقابت بر می‌شمرند افزایش رفاه اجتماعی است. چرا که رفاه وسیله سنجش عملکرد هر بازار است. رفاه اجتماعی، مجموع رفاه (مازاد) تولیدکننده و مصرف کننده است. رفاه تولید کننده به سود حاصل از مابه التفاوت میان قیمت فروش یک کالای معین و قیمت رقابتی آن اطلاق می شود و رفاه مصرف کننده عبارت است از رضایتمندی و مطلوبیتی که نصیب مصرف کننده یک کالا می شود؛ در حالی که چیزی در ازای آن نمی‌پردازد.
- جلوگیری از سوء استفاده از قدرت بازار: یکی از اهداف مهم تصویب قوانین شرمن و کلیتن در ایالات متحده، کنترل بنگاه‌های دارای انحصار بود که قادر بودند قیمت کالاها را به خواست خود تعیین نموده و از این طریق سودهای سرشار و ناعادلانه از مردم به دست آوردند. در برخی از موارد، اعمال قدرت بازار بنگاه‌های بزرگ از طریق قیمت گذاری تهاجمی و حذف رقبا صورت می‌پذیرد.
- حمایت از آزادی رقابت و جلوگیری از محدود کردن آن: یکی از اهداف اصلی تصویب قوانین رقابت، حفظ و تداوم بخشیدن به رقابت میان بنگاه ها می‌باشد تا تضمین عملکرد صحیح بازار ممکن شود.

علاوه بر اهداف اقتصادی، حقوق رقابت دارای اهداف غیر اقتصادی از قبیل توزیع منصفانه قدرت و حمایت از بنگاه‌های کوچک، حمایت از استقلال فردی و برخورداری همه از فرصت‌های اقتصادی برابر و حمایت از کارگران و اشتغال زایی نیز می‌باشد. (صادقی مقدم و غفاری فارسانی، ۱۳۹۰)

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

در این بخش، شرح مختصری در ارتباط با مبانی، اصول و تاریخچه حقوق رقابت (قوانین ضد انحصار) و دیدگاه‌های مطرح در این زمینه ارائه شد. در بخش بعد، به اختصار به روند تکامل نهادهای صیانت کننده از حقوق رقابت در بازارهای برق دنیا و الزامات آنها پرداخته می‌شود.

٤. لزوم تشکیل نهادهای صیانت کننده از حقوق رقابت در بازارهای برق دنیا و منافع حاصل از آن

به طور کلی بهره‌برداری کارآمد و ایمن از سیستم قدرت از دغدغه‌های بهره‌برداران سیستم انتقال است و فرآیندهای ضد رقابتی دارای اثرات نامطلوبی بر این مهم می‌باشد. اول اینکه این اقدامات، شرکتهای تولید را تحریک به مضایقهٔ تولید می‌کند و این امر منجر به کمبود کوتاه مدت تولید می‌شود. دوم اینکه اقدامات ضد رقابتی موجب انحراف سیگنالهای قیمتی می‌شود که این امر به نوبه خود منجر به تصمیم‌گیریهای ناکارآمد توزیع بار و سرمایه گذاری می‌شود. ممکن است استدلال شود که نظارت بر بازار هزینه‌بر است و حتی ممکن است ده‌ها میلیون یورو (دلار) در سال صرف این کار شود و در بهترین حالت نیز پایش بر بازار تنها منجر به توزیع مجدد منابع بین شرکت‌ها و مصرف کنندگان می‌شود. امّا پایش بازار علیرغم هزینه‌بر بودن دارای منافع کوتاه مدت و بلند مدت بیشتری است. برای مثال بازار 300TWh/year بریتانیا را در نظر بگیرید، حجم ارزش مالی این بازار در حدود ۱۰ میلیارد یورو در سال است. ناکارآمدیهای در حدود ۰/۰۰۱ درصد در این بازار، بالغ بر ۱۰ میلیون یورو در سال می‌شود و هزینه‌های تولید اضافی این توزیع بار ناکارآمد، به طور قطع به میزان قابل توجهی از این مقدار نیز بیشتر است. برای مثال تغییر در درجه اولویتی (شایستگی)[1] که منجر به انتخاب یک نیروگاه حاشیه‌ای 1000 MW با هزینه تولید 2 Euro/Mwh2 برای فعالیت به مدت ۵۰۰۰ ساعت در سال شود، هزینه اضافی ۱۰ میلیون یورو در سال به سیستم تحمیل می‌کند (Twomey et al., 2004, 15).

در بیشتر کشورها یک نهاد ناظر عمومی برای پایش رقابت یا فعالیتهای ضد انحصار وجود دارد که وظیفه بررسی و تحقیق از موارد مشکوک به بروز رفتارهای ضد رقابتی احتمالی را بر عهده دارد.

1. Merit Order

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بنابراین، برای بیشتر صنایع، نیازی به وجود یک واحد پایش خاص یا یک نهاد تنظیم مقررات ویژه احساس نمی‌شود، امّا آن گونه که بیشتر اقتصاددانان استدلال می‌کنند، طبیعت تولید و مصرف برق به صورتی است که تعیین یک واحد به طور خاص برای نظارت بر شرایط و روند این بازار و فعالیتهای بازیگران آن ضروری است.

در فرآیند تجدید ساختار و مقررات‌زدایی صنعت برق در بیشتر کشورهای دنیا، اغلب تمرکز اصلی پایه‌گذاران بازار، بر روی توسعه سیستم‌های بهره‌برداری به ویژه زیرساختهای نرم افزاری، سخت افزاری و سیستمهای ارتباطی و مخابراتی مورد نیاز برای پشتیبانی از این بازارهای تازه تأسیس بوده است. از این رو، سیستمهای پایش بازار اغلب در طراحی‌های اولیه و مقدماتی بازارهای برق مورد غفلت قرار گرفته‌اند و پس از راه‌اندازی بازارها به تدریج به صورت بومی و متناسب با مشخصات بازارهای متبوع خود تکامل یافته‌اند. برای مثال بروز جهش‌های قیمتی در بازارهای برق کالیفرنیا، نیویورک، PJM و نیواینگلند همچنین اعمال قدرت بازار توسط دو شرکت عمده در بازار تسهیلات اشتراکی انگلستان و ولز از محرک‌های اصلی طراحی و تاسیس نهادهایی برای صیانت از حقوق رقابت در بازارهای برق پیشرو دنیا بوده است. نهادهای مذکور عمدتاً تحت عنوان نهاد تنظیم کننده مقررات (رگولاتور) شناخته می‌شوند و عمل آنها در بازارهای برق و انرژی به تنظیم مقررات موسوم است.

به طور کلی، تنظیم مقررات در بخش انرژی شامل صدور مجوز فعالیت در این بخش، نظارت بر فعالان بخش به منظور حصول اطمینان از رعایت قوانین و مقررات، حل و فصل دعاوی میان فعالان بخش، تعیین تعرفهٔ فعالیت های تحت تنظیم، تعیین تعرفهٔ مصرف کنندگان نهایی انرژی، تعیین مقررات و استانداردهای ایمنی برای منابع انسانی فعال در بخش و جامعه و تدوین مقررات و دستورالعمل هایی برای پیشگیری از آلودگی محیط زیست و ... است.

۵. ویژگی های نهادهای کارآمد صیانت کننده از حقوق رقابت در بازارهای برق

برای اینکه یک نهاد تنظیم مقررات بتواند قوانین و مقررات اصولی و مناسب برای بخش تحت نظارت خود تصویب نماید، لازم است در ایجاد آن نهاد نیز برخی معیارها و اصول خاص رعایت شود. از لحاظ حقوقی نهاد تنظیم مقررات می‌بایست بر اساس قانون به وجود آمده باشد. همچنین اصول، رویه‌ها، فرآیندها و سیاست‌های تنظیم گری باید در قانون مشخص شده باشند. همچنین نهاد تنظیم گر، در حیطه حوزه قانونی خود باید قدرت تصمیم‌گیری نهایی داشته باشد، بدون اینکه برای تصمیم اتخاذ

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

شده، نیاز به دریافت تأیید از هیچ نهاد یا سازمان دولتی دیگری داشته باشد. این قدرت تصمیم‌گیری، مهمترین رکن استقلال نهاد تنظیم مقررات است. این تصمیم‌گیری می‌بایست شامل حوزه‌هایی همچون تعرفه گذاری، تعیین استانداردها و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان باشد. نهادهای تنظیم مقررات باید به صورت دوره‌ای، فعالیت‌ها و روش‌های خود را مورد بازبینی قرار دهند و نیازمندیهای خود را در موقعیت‌هایی که مدام در حال تغییرند تشخیص دهند. در این بازبینی‌های دوره‌ای، باید هر جا که لازم است از نظرات و آرای عموم مردم، کارشناسان و سایر مقامات همچون مجلس قانون‌گذاری نیز استفاده شود. مقررات‌گذار برای اعمال کامل تصمیمات، مقررات و استانداردها می‌بایست قدرت لازم را داشته باشد و به همین سبب باید مجموعه‌ای از ابزارهای تأدیبی در اختیار داشته باشد تا بتواند متناسب با تخطی صورت گرفته از آنها استفاده نماید.

۵-۱. استقلال

به صورت کلی، استقلال نهادها شامل چهار مقوله سازمانی، کارکنان، مالی و کارکردی می شود. "استقلال سازمانی" به این معناست که یک نهاد باید در قالب یک واحد سازمانی مجزا شکل بگیرد، به طوری که این واحد بخشی از یک وزارتخانه یا نهاد دولتی و تابع آن نباشد. به عبارت دیگر باید دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و بر اساس آن عمل نماید. "استقلال کارکنان"، اغلب به هیأت رئیسه و مدیران نهادها که تصمیمات نهایی را در خصوص برنامه کاری نهاد و بودجه اتخاذ می کنند، ربط دارد. "استقلال مالی"، میزان خودمختاری مالی سازمان‌ها را از عوامل بیرونی نشان می‌دهد. نهادهایی که منابع مالی خود را تأمین می‌کنند، وابستگی کمتری به رؤسای سیاسی خود دارند. بنابراین استقلال مالی نهادها شامل بودجه مستقل، استقلال از رؤسای سیاسی برای تأمین مالی و آزادی انتخاب در نحوه استفاده از آن می‌شود. "استقلال عملکرد" به معنای مطلق کلمه، یعنی یک نهاد هر کار بخواهد انجام دهد. به عنوان نمونه، نهاد GEMA[1] در انگلستان به عنوان نهاد تنظیم مقررات گاز و برق و نهاد[2] OFGEM به عنوان بازوی اجرایی آن، شناخته می‌شود. OFGEM یک نهاد دولتی است که

1. Gas and Electricity Markets Authority
2. Office of Gas and Electricity Markets

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

زیرمجموعه هیچ وزارتخانه‌ای نمی‌باشد. این نهاد، یک نهاد ملی تنظیم مقررات مستقل قلمداد می‌شود. با وجود اینکه نهاد فدرال تنظیم مقررات آمریکا FERC در داخل وزارت انرژی آمریکا قرار دارد اما در قانون نیز تصریح شده است که اعضای وزارت انرژی حق مداخله در امور FERC را ندارند. لذا این نهاد نیز همچون نهاد تنظیم مقررات انگلستان، دارای استقلال می‌باشد. در انگلستان تعداد اعضای نهاد GEMA بین ۳ تا ۱۵ نفر می‌باشد و تعداد اعضای بازوی اجرایی آن ۲۱۱ نفر است. از سال ۲۰۰۳، این نهاد شامل ۳ عضو غیراجرایی و ۴ عضو اجرایی شده است و رئیس این نهاد از اعضای غیراجرایی انتخاب می‌شود. اعضای GEMA توسط هیات وزیران تعیین می‌شوند. با وجود اینکه دولت نقش اصلی را در انتصاب اعضای GEMA دارد اما نمی‌تواند در تصمیمات عملیاتی یا رگولاتوری این نهاد دخالت نماید. اعضای غیراجرایی توسط هیات دولت انتخاب می‌شوند و باید پیگیر رقابت آزاد باشند. اعضای غیراجرایی GEMA باید ۴۵ روز از سال یا ۳-۴ روز از ماه را برای فعالیت در این هیات اختصاص دهند. اعضای اجرایی GEMA با توجه به نقش آنها در OFGEM توسط GEMA انتخاب شده و برای تصویب به هیات وزیران معرفی می‌شوند (رستمی، مقیمی ، ۱۳۹۶).

نهاد تنظیم مقررات انرژی آمریکا (FERC)، دارای ۵ عضو می‌باشد که توسط رئیس‌جمهور برای مدت ۵ سال متوالی انتخاب می‌شوند و سپس باید به تایید مجلس سنا برسند. رئیس‌جمهور همچنین یک عضو را به عنوان رئیس کمیسیون انتخاب می‌نماید. بیش از ۳ عضو کمیسیون نباید از یک حزب سیاسی باشند. FERC یک نهاد مستقل تنظیم مقررات در دپارتمان انرژی آمریکا و نهاد تنظیم مقررات سیاسی و اقتصادی اصلی صنعت برق در سطح فدرال می‌باشد. کنگره و رئیس‌جمهور معمولا آرای این کمیسیون را مورد بازنگری قرار نمی‌دهند، اما این آرا توسط دادگاه‌های فدرال قابل بازنگری هستند. این کمیسیون از وزارت انرژی مستقل می‌باشد، چرا که فعالیتهای FERC نباید توسط بازرسان و کارکنان و وزیر، مورد بررسی و تغییر یا اصلاح قرار گیرد. البته وزارت انرژی می‌تواند همانند شخص ثالث وارد عمل شده و با FERC همکاری کند.

بودجه کمیسیون فدرال تنظیم مقررات آمریکا (FERC)، سالیانه توسط مجلس سنای این کشور تصویب می‌شود. بخش دیگری از بودجه این سازمان از طریق هزینه‌های سالیانه تمدید مجوز نهادهای فعال در بازارهای تحت تنظیم حاصل می‌شود. نهاد تنظیم مقررات برق و گاز انگلستان منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق اعطای حق مجوز و سایر درآمدهای دریافتی از دارندگان مجوز با تایید پارلمان

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

تامین می‌نماید. کمیسیون مرکزی تنظیم مقررات برق هند نیز از نظر تامین مالی مستقل می‌باشد. در قانون برق ۲۰۰۳ این کشور، مکانیسم‌های مشخص تامین مالی برای این کمیسیون در نظر گرفته شده است. بودجه و وام‌های اعطایی از سوی دولت‌های مرکزی و مبالغ دریافتی از نهادهای فعال در صنعت برق بابت مجوزدهی منابع مالی کمیسیون می‌باشند که باید توسط پارلمان تصویب شود. در واقع، کمیسیون مرکزی تنظیم مقررات برق هند، منابع مالی خود را از ترکیبی از اعتبارات دولتی و حق مجوزها دریافت می‌کند (Razeghi etal., 2017).

۵-۲. پاسخگویی

نهاد تنظیم مقررات یک صنعت، عموماً مسئول تنظیم مقررات اقتصادی آن صنعت است و پیامد رقابت ناقص و مسائل انحصار را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نهادها به‌ندرت مسئول تنظیم مقررات اجتماعی هستند. اختیار قیمت گذاری و تعیین استانداردهای صنعت مورد نظر، قدرت فراوانی را برای نهادهای تنظیم کننده مقررات در زمینه توزیع رانت به ارمغان می‌آورد. لذا به منظور جلوگیری از چنین مواردی لازم است نهادهای تنظیم کننده مقررات را موظف گردانند تا گزارش های سالانه‌ای در باب فعالیت‌های خود منتشر کرده و امکان بازبینی آن را نیز توسط بازرسان مستقل یا کمیته‌های قانونی ذی صلاح فراهم نمایند. علاوه بر این در صورت تخطی یا عملکرد ناصحیح هرکدام از اعضای نهادهای تنظیم کننده مقررات، امکان معزول نمودن و برکناری آن ها نیز می بایستی وجود داشته باشد. تنظیم گر باید به مجلس و دیگر نهادهای دولتی مربوطه پاسخگو باشد. به عنوان مثال می توان به گزارش‌های سالیانه‌ای اشاره کرد که نهاد تنظیم گر باید به شیوه‌ای شفاف به مجلس ارائه دهد.

تجدیدنظر خواهی از تصمیماتی که GEMA در راستای قانون رقابت اتخاذ می‌کند باید در دادگاه استیناف رقابت انجام شود. OFGEM باید به شورای رقابت انگلستان پاسخگو باشد. در انگلستان، نهاد GEMA و یا بازوی اجرایی آن OFGEM به منظور پاسخگویی به عموم فعالیت‌های انتشار استراتژی سازمان، گزارش سالیانه، ارائه مشاوره به صورت گسترده، انتشار آرا و تصمیمات OFGEM ، صورتجلسه نشستهای GEMA ، برگزاری سمینارها و نشستهای با ذینفعان را انجام می‌دهند. همچنین پارلمان انگلستان اختیار تحقیق و تفحص در ارتباط با فعالیت‌های GEMA و OFGEM و تصویب بودجه آنها را به عهده دارد. به عبارت دیگر، نهاد تنظیم مقررات بازارهای گاز و برق انگلستان باید مستقیما به پارلمان این کشور پاسخگو باشد (Yaffe etal., 2018).

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

وزارت انرژی و تغییرات آب و هوایی انگلستان بر رعایت نهاد OFGEM از قوانین مربوطه نظارت می‌نماید و همچنین خطوط استراتژیک را به این نهاد ابلاغ می‌نماید. این وزارتخانه همچنین در انتخاب اعضای هیات متولی بازارهای برق و گاز نیز نقش دارد و همچنین بر قابلیت پاسخگویی آن نظارت می‌نماید. شرکتهای تحت تنظیم و نهاد حمایت از مشترکین می‌توانند به نمایندگی از مشترکین، از OFGEM به شورای رقابت این کشور شکایت نمایند. در مجموع، درباره اصلاح آیین‌نامه‌ها یا نظام‌نامه‌های صنعت توسط OFGEM و خودداری این نهاد از صدور آنها می‌توان به شورای رقابت این کشور شکایت کرد. در خصوص جرایم وضع شده و دستورات لازم‌الاجرا می‌توان به دادگاه عالی انگلستان شکایت نمود. در خصوص تصمیمات مربوط به قوانین رقابت و قانون نهادها نیز می‌توان به دادگاه استیناف رقابت شکایت کرد.

با توجه به بررسی اجمالی اصول و قواعد حقوق رقابت در دنیا و لزوم تشکیل واحدهای پایش‌کننده و ناظر بر اصول رقابتی در بازارهای برق و الزامات آنها در بخش بعد به بررسی قواعد حقوق رقابت در قوانین و مقررات کشور پرداخته می‌شود.

٦. نگاهی به قواعد حقوق رقابت (قوانین ضد انحصار) در ایران

هر چند در اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشاراتی به قواعد حقوق رقابت شده است اما عملاً قواعد حقوق رقابت در ایران پس از سال ۱۳۷۲ و در انتهای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت و در همین راستا بحث‌های جدیدی پیرامون پایان دادن به انحصار در برخی صنایع و خصوصی‌سازی مطرح شد. پیش‌نویس‌های متعددی در این رابطه توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه گردید که به دلایل مختلفی به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید.

اما در نهایت به دنبال تحولات ایجاد شده در نظام اقتصادی کشورهای مختلف و مباحثات پیرامون خصوصی‌سازی، تلاش‌هایی در کشور در گرفت و پیرو این تغییرات، لایحه اصلاح موادی از قانون چهارم برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و لایحه اجرایی سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در جلسه علنی مورخ بیست و دوم مهر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد شش مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که در قسمت‌های خاصی از آن به قواعد حقوق رقابت پرداخته شده است.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

در این لایحه رقابت بدین صورت تعریف شده است که: "رقابت وضعیتی در بازار است که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت در بازار را نداشته باشند یا برای ورود به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد.[۱] "

در این لایحه انحصار نیز این گونه تعریف شده است: " وضعیتی در بازار است که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن یا محدودیت مواجه باشد[۲] ".

اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار می‌داند و در ادامه بیان می‌کند: "بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو، تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است" (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

مطابق این اصل، صنایع بزرگ و تامین نیرو چون برق در اختیار دولت می‌باشد و در این حوزه تفکیکی میان مراحل مختلف تولید، انتقال و توزیع برق صورت نگرفته است. در لایحه سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ نیز به انواع فعالیت‌های اقتصادی و مستمر اشاره شده که می‌توانند دولتی، تعاونی یا خصوصی باشند. در ماده ۲ این لایحه به گروه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی اشاره شده و در گروه شماره سه، فعالیت‌های مخابراتی، پستی، نظامی، امور مربوط به نفت و گاز، عملیات بانکداری، بیمه، شبکه‌های اصلی انتقال برق، کشتیرانی، سد سازی، خدمات راه آهن و رادیو و تلویزیون در انحصار دولت دانسته شده است.

نکته قابل توجه در این لایحه آن است که قانونگذار در بند ۳ ماده ۲ با احصاء فعالیت‌های دارای انحصار دولتی در صنعت برق تنها به شبکه‌های" اصلی انتقال برق " اشاره کرده است. این در حالی

---

۱. بند ۱۱ ماده ۱ سیاست های کلی اصل ۴۴

۲ . بند ۱۲ ماده ۱ سیاست های کلی اصل ۴۴

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

است که در اصل ۴۴ قانون اساسی، کلیه فعالیت‌های "تامین نیرو" در زمره موارد انحصار دولتی برشمرده شده بود. این تغییر برداشت از "تامین نیرو" در لایحه سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ به طور ضمنی نشان دهنده تفکیک قائل شدن قانونگذار بین بخش‌های تولید، انتقال وتوزیع برق و قصد وی برای ایجاد فضای رقابتی در بخش‌های تولید و توزیع برق می‌باشد.

در ماده ۴۴ این لایحه، هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص به نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد ممنوع دانسته شده است. مصادیق تبانی نیز در این لایحه برشمرده شده است. در بند ط ماده ۴۶ لایحه اجرائی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، "سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط" مورد اشاره قرار گرفته و روش‌های آن به شکل حصری (برخلاف قوانین اتحادیه اروپا و فرانسه) ذکر گردیده است. لازم به ذکر است با توجه به ویژگیها و خصوصیات صنعت برق، از بین اعمال ضد رقابتی، امکان "سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط" (یا به عبارت دیگر اعمال قدرت بازار) در این صنعت بیش از سایر رویه‌های غیر رقابتی قابل تصور است.

مبادرت به انجام رفتارهای ضد رقابتی توسط هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی چه دولتی و چه غیر دولتی متصور است، لذا در جهت نیل به اهداف لایحه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ماده ۵۳ این لایحه، شورایی را به نام شورای رقابت در نظر گرفته است که در بخش بعد به آن اشاره می‌شود.

٦-١. مسوولیت‌ها، وظایف و ساختار تشکیلاتی شورای رقابت

براساس ماده ۵۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، شورای رقابت به عنوان یک نهاد تنظیم کننده مقررات (رگولاتور) فرابخشی تشکیل شده است. وظایف این شورا، در ذیل فصل نهم قانون مذکور تشریح شده است. با توجه به گستره وسیع حوزه تعریف شده برای این شورا و با عنایت به قدرت اجرایی که در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برای این شورا در تشخیص تخلفات بروز رفتارهای انحصارگرایانه یا مانع رقابت و صدور احکام در این موارد در نظر گرفته شده است، شورای رقابت اصلی‌ترین نهاد رگولاتوری در حوزه فعالیت‌های انحصاری در کشور است، که وظایف تضمین فضای رقابتی (مواد ۴۴ و ۴۷)، جلوگیری از اعمال رفتارهای ضد رقابتی (ماده ۴۵) و جلوگیری از انحصار به منظور ادغام (ماده ۴۸) در کلیه بخش‌های اقتصادی کشور را بر عهده دارد (اصغرنیا، ۱۳۸۹، ۱۷۰).

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

برخلاف سایر کشورها که تعداد اعضاء شورای رقابت در آن‌ها اندک است، شورای رقابت در ساختار قانونی جمهوری اسلامی ایران پانزده نماینده دارد که در مقایسه با سایر کشورها، دارای اعضای بیشتری است. براساس ماده ۵۴ همین قانون، به منظور انجام امورکارشناسی و اجرایی و فعالیت‌های دبیرخانه‌ای شورای رقابت، مرکز ملی رقابت در قالب مؤسسه‌ای دولتی و مستقل زیر نظر رئیس‌جمهور تشکیل شده است.

شورای رقابت به تشخیص مصادیق رویه‌های ضدرقابتی و معافیت‌های موضوع لایحه قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و اتخاذ تصمیم در مورد این معافیت‌ها می‌پردازد (بند ۱ ماده ۵۸ لایحه مذکور). همچنین تصویب ضوابط تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری (از جمله صنعت برق) در هر مورد برعهده این شورا می‌باشد (بند ۵ ماده ۵۸ لایحه مذکور).

درعین حال شورای رقابت می‌تواند در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است (از جمله صنعت برق)، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی را برای تصویب به هیأت وزیران ارائه و قسمتی از وظایف و اختیارات تنظیمی خود (نه تمام آن) در حوزه مزبور را به آن نهاد واگذار نماید. ترکیب اعضای این نهادها به پیشنهاد شورای رقابت و با تصویب هیات وزیران می‌باشد و شرایط انتخاب اعضای نهادهای تنظیم کننده مطابق با اعضای شورای رقابت است. اعضای هیات‌های تنظیم در حیطه وظایف و اختیارات تفویض شده، مسئولیت‌های اعضای شورای رقابت را بر عهده دارند (ماده ۵۹ لایحه مذکور).

۶-۲. نهاد تنظیم کننده مقررات بخشی

از جمله مسائل مهمی که در هنگام ایجاد نهادهای ملی رقابت پیش می‌آید، مسأله امکان وقوع تضاد و هم‌پوشانی بین مقررات رقابتی در سطح ملی و مقررات در سطح بخشی است. البته در لایحه اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی در ذیل ماده ۵۹ بیان شده است که در هر حال هیچ نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی، نمی‌تواند مغایر با قانون یا مصوبات شورای رقابت تصمیمی بگیرد یا اقدامی انجام دهد و در صورت وقوع چنین امری به لحاظ برخورداری شورای رقابت از سطح بالای نظارت عالیه در امور رقابتی، امکان ابطال این تصمیمات و مقررات از سوی شورا امکان پذیر است.

با توجه به تصریح مشخص قانون، نتیجه‌گیری می‌شود که تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی، رسیدگی به شکایات و تصمیم گیری در خصوص مجازاتها و اموری از این قبیل، شورای رقابت

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

است و نهادهای تنظیم‌کننده بخشی (از جمله نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی در حوزه برق) تنها می‌توانند به عنوان شاکی یا اطلاع دهنده در شورا اعلام شکایت نمایند و وظایف آن‌ها محدود به اموری است که شورا در حوزه کالا یا خدماتی خاص که دارای انحصار طبیعی است به آن‌ها واگذار کرده است. شاید از جمله این موارد بتوان به اموری چون ارزیابی وضعیت و تعیین محدوده بازار، تدوین و ابلاغ راهنماها و دستورالعمل‌ها، ارائه نظرات مشورتی برای تنظیم لوایح به دولت، تصویب ضوابط تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دستیابی به بازار کالاها و خدمات انحصاری اشاره کرد.

تا کنون مطابق لایحه اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، هیچ نهاد تنظیم‌کننده بخشی به پیشنهاد شورای رقابت به تصویب هیات وزیران نرسیده است. این در حالی است که در دو صنعت مخابرات و برق (دو صنعت دارای خصوصیات انحصار طبیعی)، حتی پیش از ابلاغ قانون لایحه اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و به دنبال آن تشکیل شورای رقابت، بنا به ضرورت دو نهاد تنظیم کننده (رگولاتور) تشکیل شده بود. در ادامه هیات تنظیم بازار برق به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

٦-٣. هیات تنظیم بازار برق

هیأت تنظیم بازار برق ایران به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های معاونت امور برق وزارت نیرو، در سال ۱۳۸۲ در راستای ایجاد بسترهای لازم برای تجدید ساختار صنعت برق تشکیل شد و هم‌اکنون به عنوان نهاد تنظیم‌کننده مقررات در بازار برق ایران فعالیت می‌کند. فعالیت‌های مربوط به تجدید ساختار در صنعت برق ایران، بسیار پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون مربوطه آغاز شده است. در راستای تجدید ساختار صنعت برق، آیین‌نامه "تعیین روش، نرخ و شرایط خرید و فروش برق در شبکه برق کشور" در تاریخ ۸۲/۶/۳ تصویب شد و در پی آن، از اول آبان ماه سال ۱۳۸۲ بازار برق به طور رسمی راه‌اندازی گردید. پس از آن شرکت مدیریت شبکه برق ایران، با هدف ایجاد نهادی غیر ذینفع در مبادلات بازار، تسهیل رقابت و همچنین مدیریت کلان بهره برداری شبکه برق کشور، از اول آذرماه۸۳ به طور رسمی کار خود را آغاز نمود.

هیات تنظیم بازار برق ایران، نیز در پی دستور وزیر وقت نیرو و با استناد به "آیین نامه تعیین شرایط و روش خرید و فروش برق در شبکه برق کشور " (مصوب هیات وزیران نه قانون مصوب مجلس شورای اسلامی) و در راستای تحقق موضوع بند ب ماده (۲۵) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی،اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در مهرماه ۱۳۸۲ تشکیل شد. این هیات، با توجه

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

به نیاز تجدید ساختار و سیاست‌گذاری در صنعت برق کشور، به منظور مقررات‌گذاری و هدایت و نظارت بر بازار برق کشور به وجود آمد. اعضای این هیات متشکل از هفت نفر هستند که هر دو سال یک‌بار توسط وزیر نیرو منصوب می‌شوند. نخستین نشست هیأت تنظیم بازار در تاریخ ۸۲/۷/۹ برگزار گردید. این هیات به طور متوسط دو نوبت در هر ماه، تشکیل جلسه می‌دهد و به ایفای وظایف خود می‌پردازد.

به طور عمومی می‌توان وظایف اصلی نهاد تنظیم بازار برق ایران را تدوین و تصویب دستورالعمل‌ها، توسعه بازار رقابتی و تشکیل بورس برق، پیشنهاد تصویب برخی مقررات توسط نهادهای ذی صلاح، حل اختلافات بازیگران بازار، اجرای صحیح مقررات و سایر امور مرتبط با اداره صحیح بازار دانست (منصف و همکاران، ۱۳۸۸، ۳۰۹).

به طور کلی، کلیه مصوبات هیات تنظیم بازار برق تا به امروز در چهار گروه"آیین نامه"، "رویه (یا دستورالعمل)"، "نمونه قرارداد" و "تصمیم گیریهای موردی"، قابل دسته بندی است. تا پیش از تشکیل شورای رقابت، مرجع فرادستی نهاد تنظیم کننده بازار برق، وزارت نیرو بوده است که با تشکیل شورای رقابت، منطقاً باید این شورا جایگزین وزارت نیرو گردد.

٦-٤. بررسی قوانین موجود در زمینه پایش و نظارت بر بازار برق ایران

مطابق بند ۵-۱ آیین نامه تعیین شرایط و روش خرید و فروش برق در شبکه برق کشور مصوب هیات وزیران، وظیفه "هدایت و نظارت بر بازار برق" به هیئت تنظیم بازار برق سپرده شده است. در تبصره ۲ ماده ۵-۱ آئین نامه فوق ذکر شده است، "با هرگونه تبانی و یا اقدامی که عرضه برق و یا رقابت سالم در خرید و فروش برق را خدشه‌دار کند برخورد قانونی صورت می‌گیرد".

همچنین در تبصره ۳ همین ماده تصریح شده است:"هیات می‌تواند برای حصول اطمینان از کارآمدی بازار و مراقبت از قدرت بازار، مقرراتی را برای اعمال محدودیت سهم بازار هریک از اشخاص حقوقی خریدار، مصرف‌کننده، مالک‌نیروگاه و عرضه‌کننده تدوین و به وزیر نیرو پیشنهاد نماید. پس از تصویب و ابلاغ این مقررات، هریک از عوامل و اشخاص فوق‌الذکر ملزم به رعایت محدودیت‌های تعیین‌شده در قالب این مقررات خواهند بود."

همانطور که ملاحظه می‌شود بخشی از وظایف و مسوولیتهای هیات تنظیم بازار برق در ارتباط با نظارت بر عملکرد بازار و بازیگران و سنجش صحت سلامت رقابت و کارآمدی بازار برق می‌باشد. در همین راستا مطابق آئین نامه مذکور، هیات تنظیم می‌تواند نسبت به تعلیق یا ابطال پروانه شرکت در

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بازار متخلفان و اخلال‌گران عرصه رقابت اقدام نماید. ارجاع به محاکم قضایی جهت برخورد با موارد تبانی در بازار و همچنین تدوین مقررات برای کنترل سهم بازار بازیگران بزرگ و تفکیک آنها به شرکتهای کوچک‌تر و پیشنهاد آن به وزیر نیرو از دیگر اختیارات هیات تنظیم بازار برق در راستای مقابله و برخورد با رویه‌های ضد رقابتی و پیشگیری از محدود شدن رقابت در بازار برق می‌باشد. نحوه برگزاری جلسات و تصمیم‌گیری در هیأت تنظیم بازار برق و سازمان اجرائی آن، در آئین‌نامه‌ای تحت عنوان "آیین‌نامه اجرائی هیأت تنظیم بازار برق"، به تصویب هیأت و به تایید وزیر نیرو رسیده است. در آئین نامه مذکور، وظایف متعددی برای دبیرخانه هیات تنظیم بازار برق عنوان شده است از جمله:

- تهیه و تدوین گزارشات ارزیابی دسترسی به شبکه برق کشور، ارزیابی رقابت‌پذیری و کارآمدی بازار.
- بررسی گزارشات و اطلاعات ارائه شده توسط مدیر بازار و مرکز در مورد محدودیت‌ها و چگونگی رقابت در بازار و دسترسی به شبکه.

همچنین اسلوب و چهارچوب اجرائی انجام وظایف نظارتی دبیرخانه هیات تنظیم بازار برق در پیوست صورتجلسه نود و نهم هیات تنظیم بازار برق تحت عنوان "رویه اجرائی پایش راهبردی و پایش عملیاتی" مصوب ۱۳۶۸/۸/۸ مشخص شده است. در رویه مذکور وظایف نظارت بر شرکت مدیریت شبکه برق ایران و شرکت کنندگان بازار به ترتیب به واحد پایش راهبردی و واحد پایش عملیاتی واگذار شده است. در این رویه همچنین حیطه وظایف و مسوولیتهای هر یک از این واحدها و چارت سازمانی آنها بیان شده است.

مطابق بند ۵-۶ "رویه اجرائی پایش راهبردی و عملیاتی"، واحد پایش راهبردی مسوول و متولی برخورد قانونی، با هرگونه تبانی و یا اقدامی که عرضهٔ برق و یا رقابت سالم در خرید و فروش برق را خدشه‌دار کند، بر اساس مفاد نظام‌نامه بازار برق می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این رویه اشاره‌ای به میزان و نوع برخوردهای قانونی با اخلالگران وضعیت رقابت در بازار برق نشده است و این موارد به نظام‌نامه بازار برق ارجاع داده شده است. این در حالی است که در پیش‌نویس آخرین نسخه نظام‌نامه بازار برق، اقدامات تنبیهی قابل اعمال از سوی هیأت تنظیم برای رعایت مفاد نظام‌نامه موارد اعمال کسر درآمد، جرایم مالی، اخطار کتبی، دستور تعلیق، قطع اتصال و لغو پروانه را شامل می‌شود.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

همانطور که مشاهده می‌شود قوانین و مقررات موجود در خصوص صیانت از حقوق رقابت در بـازار برق کشور در چارچوب وظایف و مسئولیتهای هیات تنظیم بازار برق، ناقص، مـبهم و فاقـد الـزام آوری کافی است. همچنین این هیات نیز تا کنون ورود جدی و قابل ملاحظه‌ای در این حوزه نداشته اسـت و تلاشهای آن بیشتر متوجه توسعه و تعمیق بازار برق نوپای کشور بوده است.

۷. بررسی برخی مشکلات و نواقص بازار برق ایران از دیدگاه حقوق رقابت

در این بخش برخی از مهم ترین مشکلات و نواقص بازار برق ایران در حـوزه رقابـت از ابعـاد مختلـف مورد بررسی قرار می‌گیرند. به طور کلی این مشکلات را می‌توان به دو دسته کلی مشکلات سـاختاری (موارد ۷-۱ تا ۷-۴) و مقرراتی (۷-۵) به شکل زیر تقسیم بندی کرد.

۷-۱. تسلط بازار

همانطور که پیشتر اشاره شد، یکی از مشکلات اساسی بازارهای برق تعداد محـدود بـازیگران بـه ویـژه در سمت عرضه است. به عبارت دیگر اگر بخش قابل توجهی از نیاز بازار توسط یک بازیگر تأمین شود، ایـن بازیگر بر بازار مسلط بوده و انگیزه دارد تا با محدود کردن تولید خود و یا با ارائه پیشـنهاد بـالاتر از هزینـه نهائی (حاشیه‌ای) خود، در بازار قدرت بازار اعمال نماید. در سالهای اخیر، مطالعات متعددی از جمله ربیعـی و همکاران (۱۳۹۵)، دشت بزرگی و علی آبادی (۱۳۹۳)، ناظمی و همکاران (۱۳۹۰)، عسـگری و منصـف (۲۰۱۰) و لاجوردی (۱۳۸۳) در خصوص ارزیابی وضعیت قدرت بازار در بـازار بـرق ایـران انجـام پذیرفتـه است که نتایج آن عمدتاً حاکی از وضعیت نسبتاً قابل قبول شاخصهای ساختاری قدرت بازار در بـازار بـرق ایران هستند (از جمله شاخصهای سهم بازار، تمرکز بازار، ضریب آنتروپی و HHI[1]).

نتایج این مطالعات نشان می‌دهد سهم بازار تولیـد و ظرفیـت نصـب شـده تقریبـاً بـه گونـه‌ای بـین بازیگران بازار برق کشور توزیع شده است که با توجه به استانداردهای مرسوم جهـانی مشـکل چنـدانی از نظر معضل تسلط بر بازار برای اعمال قدرت بـازار احسـاس نمـی‌شـود (Asgari etal,. 2010). هـر چنـد مطالعات ناظمی و همکاران (۱۳۹۰)، عسگری و منصف (۲۰۱۰)، صادقی و همکاران (۱۳۹۴) و لاجـوردی

1. Herfindhal Hirschman Index (HHI)

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

(۱۳۸۳) نشان می‌دهد که بازار برق کشور به لحاظ ساختاری پتانسیل بروز رفتار غیر رقابتی را دارد و تفاوت بین بزرگترین تولید کننده و تولید کننده‌ی دوم در بازار برق کشور قابل توجه است. همچنین این تحقیقات نشان می‌دهد سه تولید کننده‌ی اول کشور ۵۰ درصد از کل سهم بازار را در اختیار دارند.

۷-۲. کمیابی عرضه

هر چند ظرفیت نصب شده نیروگاهی کشور به بیش از ۷۵ هزار مگاوات بالغ می‌شود و پیک سالیانه مصرف نیز حدود ۵۵ هزار مگاوات است، اما در مجموع به دلایل مختلف (از جمله انجام برنامه‌ریزی تعمیرات و نگهداری واحدها در فصول غیر پیک، محدودیتهای سوخت واحدهای حرارتی در ماه‌های سرد سال، محدودیتهای منابع آب واحدهای برق‌آبی، به صرفه نبودن تولید نیروگاه‌های فرسوده و مستعمل و ...) همواره اختلاف سطح تقاضا و کل ظرفیت قابل تولید در کشور چندان زیاد نیست. در بعضی موارد ترکیب این عامل و محدودیتهای شبکه انتقال فرصت‌های مناسبی را برای برخی بازیگران جهت اعمال قدرت بازار فراهم می‌آورد.

با استفاده از شاخص‌های ارزیابی استقلال بازار از میزان تولید بازیگران می‌توان وضعیت نسبی عرضه و تقاضا را در یک ناحیه یا کل بازار با یکدیگر سنجید. محاسبه شاخص عرضه باقیمانده (*RSI*)[1] در مطالعه انجام شده توسط عسگری و منصف (۲۰۱۰) برای بازار برق ایران نشان دهنده عدم استقلال بازار از تولید بازیگران است. این امر می‌تواند یک هشدار جدی برای وجود پتانسیل اعمال قدرت بازار محسوب شود. هر چند این شاخص می‌تواند سیگنال مناسبی را برای سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در بخش تولید فراهم آورد اما متاسفانه به علت نبود سازوکار مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری در صنعت برق به نظر نمی‌رسد وضعیت این شاخص در آینده‌ای نزدیک به حد مطلوب برسد.

۷-۳. پرشدگی سیستم انتقال

پرشدگی در سیستم انتقال مانع از یکپارچگی بازار می‌شود و با جزیره‌ای کردن نواحی مختلف یک بازار، علاوه بر کاهش قابلیت اطمینان شبکه و افزایش هزینه‌های سیستم، موقعیتهای نابرابر و غیر رقابتی را

1. Residual Supply Index (RSI)

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

برای بعضی بازیگران فراهم می‌آورد (منظور و همکاران، ۱۳۹۱). به طور کلی با توجه به زیر ساختهای بعضاً ضعیف سیستم انتقال در شبکه قدرت ایران، پرشدگی سیستم انتقال را می‌توان یکی از عوامل بروز قدرت بازار (محلی) در مناطقی از شبکه سراسری دانست. تعیین شدت این مساله نیاز به انجام مطالعات بیشتر در آینده دارد اما برای نمونه وجود ظرفیت تولید بالا و بیش از نیاز مصرف و همچنین محدودیتهای سیستم انتقال موجب حبس تولید در برق منطقه‌ای خراسان شده است. از سوی دیگر، پرشدگی شبکه انتقال یکی از مشکلات اصلی برق منطقه‌ای سیستان و بلوچستان برای دریافت برق از شبکه سراسری محسوب می‌شود.

۷-٤. سایر مشکلات و محدودیت‌ها

به طور کلی علاوه بر موارد فوق الذکر و جدا از مشکلات مبتلابه سیستم قدرت ایران از قبیل نبود زیرساختهای مناسب اندازه‌گیری، مخابراتی و اطلاع رسانی (که پیش نیاز راه‌اندازی بازارهای برق هستند)، وجود مشکلاتی در زمینه بهره‌برداری واحدها، محدودیت سوخت و منابع آبی واحدها و... عوامل بسیار مهم دیگری نیز در بروز رفتارهای ضد رقابتی در بازار برق ایران نقش دارند. یکی از مهمترین عوامل، ساختار کماکان دولتی صنعت برق و وجود تفکرات سنّتی و تصدی‌گرایانه در بخشهایی از مدیریت این صنعت می‌باشد. علیرغم سهم بیش از ۵۰ درصدی بخش خصوصی از مالکیت نیروگاه‌ها همچنان بخش عمده‌ای از نیروگاه‌های برق کشور در تملک بخش دولتی می‌باشد. بنابراین در این ساختار مشابه بنگاه‌های خصوصی تفکر بیشینه سازی سود و حداکثر کردن بازدهی و حداقل کردن هزینه‌ها به چشم نمی‌خورد به ویژه آنکه نظام تخصیص بودجه شرکت‌های مذکور نیز بر اساس نحوه عملکرد و کارایی آنها در بازار نیست. این امر موجب شده است که بسیاری از بنگاه‌ها تمایل به زیان ده شدن داشته باشند زیرا در صورت سود ده بودن در سال آینده بودجه‌های کمتری به آنها تخصیص می‌یابد (زیرا انتظار می‌رود این شرکت‌ها در سال‌های آینده بخشی از بودجه خود را از محل سودهای اکتسابی ناشی از فعالیت‌های خود تامین کنند). بنابراین مشاهده می‌شود که برخی بازیگران دولتی بازار برق چندان دغدغه رقابت در بازار و افزایش سود و بازدهی خود را ندارند.

عدم وجود گردش مالی واقعی ناشی از معاملات از دیگر مشکلات بازار برق کشور می‌باشد. عامل دیگر مساله مالیات‌ها است. سود حاصل از عملکرد مناسب بازیگران در بازار اصطلاحاً سود کاغذی بوده و تنها در صورتهای مالی ثبت می‌شوند در حالی‌که مالیات این مبلغ باید به صورت نقدی پرداخت شود.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

لذا بعضاً مشاهده می‌شود که برخی از شرکت‌های دولتی در پایان سال برای کاهش سود خود به گونه‌ای رفتار می‌کنند که موجب زیان آنها و پرداخت جریمه در بازار شود تا بدین گونه سود آنها تعدیل گردد. وجود اختلافات قابل ملاحظه بین نتایج آرایش تولید بازار و نتایج بهره‌برداری واقعی واحدها در زمان حقیقی توسط مرکز کنترل و راهبری شبکه نیز از دیگر مشکلات بازار برق ایران محسوب می‌شود. عدم وجود آموزش کافی و مناسب بازیگران بازار برق برای حضور موثر در بازار نیز از دیگر عوامل وجود سطح پایین رقابت در بازار می‌باشد.

۷-۵. مشکلات در حوزه قوانین و مقررات بازار برق و ساختار نهاد تنظیم کننده مقررات در بازار برق ایران

مطالعه ساختار هیات‌های تنظیم مقررات برق در جهان و مقایسه آن با ساختار موجود در ایران نشان دهنده این موضوع است که چالش‌های اساسی در مورد ساختار موجود هیات تنظیم مقررات بازار برق ایران وجود دارد که از جمله آن می‌توان به عدم برخورداری هیات تنظیم از جایگاه مستحکم قانونی اشاره کرد. همانگونه که در بخش ۶-۳، اشاره گردید هیات تنظیم بازار برق طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی تاسیس نگردیده است بلکه در قالب ابلاغیه آئین‌نامه تعیین روش، نرخ، و شرایط خرید و فروش برق در شبکه برق کشور در سال ۱۳۸۲ تاسیس گردیده است.

مورد دیگر در این خصوص، عدم استقلال هیات تنظیم بازار برق ایران می‌باشد. هیات تنظیم بازار برق ایران در بدنه وزارت نیرو قرار دارد. این نهاد در زیرمجموعه دفتر خصوصی‌سازی وزارت نیرو تعریف شده بود و از نظر ساختاری نهادی کاملا وابسته به دولت به نظر می‌رسد. این هیات حتی اختیارات و قدرت رگولاتوری خود را از اختیارات رگولاتوری که قانون به وزارت نیرو اعطا کرده است، دریافت کرده است. از نظر ساختاری، هیات تنظیم مقررات بازار برق ایران دارای هفت نفر عضو می‌باشد که همه این اعضا با حکم وزیر نیرو برای مدت دو سال منصوب می‌شوند. نگاهی به افراد منصوب شده در دوره‌های اخیر در هیات تنظیم بازار برق نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از اعضای مذکور از مدیران ارشد فعلی وزارت نیرو هستند. همچنین این هیأت دارای دبیرخانه است و ساختار مستقلی ندارد، بنابراین تمامی اعضای آن در استخدام وزارتخانه هستند که این امر با اصل استقلال هیات‌های تنظیم مقررات برق در تضاد می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به ساختار شرکت‌های توزیع نیروی برق، عملاً خود وزارت نیرو

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بزرگترین و به نوعی خریدار انحصاری برق نیروگاه‌های دولتی و خصوصی است. وجود این ساختار، شائبه تضاد منافع را بین بخش خصوصی و دولتی در خرید و فروش برق به ذهن متبادر می‌سازد.

شکل گیری نهاد تنظیم مقررات بخشی مستقل در حوزه برق که مطابق قانون باید به پیشنهاد شورای رقابت به تصویب هیات وزیران برسد در شرایط فعلی صنعت برق که وزارت نیرو از یک طرف نیاز به توسعه سریع زیرساختهای تولید و انتقال برای پاسخگویی به نیاز فزاینده برق در کشور دارد و از یک طرف دارای بدهی‌های کلان به بخش خصوصی می‌باشد همچنین در شرایطی که بخش خصوصی نیز جهت ورود و مشارکت بیشتر در این صنعت نیازمند دریافت تضامین مقرراتی لازم و پوشش ریسک تغییر قوانین و مقررات در حوزه قیمت‌گذاری برق می باشد، امری ضروری و حتمی به نظر می‌رسد. در انتخاب اعضای نهاد تنظیم مقررات بخشی نیز باید به گونه‌ای عمل شود که اعضای آن حتی الامکان مستقل از دولت (شامل وزارت نیرو و اقتصاد) انتخاب گردند و فعالین بخش خصوصی حوزه برق نیز در آن حضور فعال‌تری داشته باشند. همچنین اختیارات قانونی و بودجه های فعالیت این نهاد باید به نحوی باشد که بتواند به صورت نهادی مستقل ایفای نقش نموده و اقدام به تصمیم گیری و قانون گذاری در این حوزه نماید. علاوه بر این موضوعات، بایستی بسترهای قانونی به منظور فعالیت این نهاد به نحوی باشد که مسئولیت پذیری آن را بالا برده و این هیات را در قبال تصمیمات اتخاذ شده پاسخگو نماید.

بی‌شک عدم رفع مشکلات فوق الذکر که به بروز رفتارهای ضد رقابتی در صنعت برق کشور می‌انجامد ضمن تهدید توسعه پایدار و متوازن این صنعت به عنوان زیرساخت زیرساختها، تبعات اقتصادی و اجتماعی سنگینی در حوزه‌های تولید، صنایع، اشتغال و صادرات در سالهای آینده در کشور خواهد داشت.

۸. مقایسه اجمالی مسائل حقوق رقابت در بازار برق ایران و سایر بازارهای برق دنیا

بررسی و مطالعه هر یک از بازارهای برق دنیا از دیدگاه مسائل رقابتی حاکی از وجود نقاط ضعف و قدرت هر کدام از این بازارها از حیث ساختار، چارچوب مقرراتی و رفتار بازیگران می‌باشد. همانطور که در بخش ۷ اشاره شد، تمرکز بازار برق ایران نسبتاً قابل قبول می‌باشد هر چند همچنان پتانسیل اعمال قدرت بازار توسط بازیگران دارای سهم بازار بالا وجود دارد. مساله ساختاری بعدی از دیدگاه حقوق رقابت، فاصله کم بین میزان عرضه و تقاضا در ساعات پیک یا کمیابی عرضه است. بحث بعدی نیز

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

مربوط به محدودیتهای سیستم انتقال به ویژه در برخی از مناطق شبکه سراسری کشور می‌باشد. مقایسه عوامل ساختاری فوق با موارد مشابه در سایر بازارهای برق دنیا حاکی از وجود برخی تشابهات و اشتراکات با بازار برق ایران است. برای مثال مشکل اصلی بازار برق انگلستان و ولز در سالهای ابتدایی مساله سهم بازار بزرگ دو بازیگر اصلی این بازار یا به عبارت دیگر تمرکز بالای بازار بوده است، این در حالی است که بازار برق PJM، از ابتدا دارای تمرکز بازار نسبتاً پائینی بوده است اما همچنان محدودیتهای انتقال در برخی مناطق فرصتهایی را برای اعمال قدرت بازار محلی فراهم می‌آورد. از سوی دیگر بازار برق کالیفرنیا از ابتدا از مشکل تمرکز بالا و اعمال رفتارهای غیر رقابتی بازیگران آن رنج می برده است.

نکته اساسی که بازار برق ایران را از سایر بازارهای برق پیشرفته دنیا از حیث مسائل حقوق رقابت متمایز می‌کند تفاوتها در چارچوب مقرراتی و برنامه جامع نظارتی بازار برق می‌باشد. همانطور که در بخشهای پیشین اشاره شد، در حال حاضر پایشگر بازار برق ایران هیات تنظیم بازار برق ایران می‌باشد که بر خلاف نهادهای پایشگر بازارهای برق و انرژی در دنیا (که اکثراً منبعث از قوانین مصوب مجالس کشورها می‌باشند) از حیث قانونی از جایگاه مستحکمی برخوردار نیست. همچنین بر خلاف اکثر بازارهای برق مطرح دنیا که اعضای این نهاد نظارتی عمدتاً افراد مستقل و خبره از بخش خصوصی در حوزه انرژی و اقتصاد هستند، اعضای هیات تنظیم بازار برق از حیث سازمانی چندان مستقل محسوب نمی‌شوند. از طرف دیگر، از حیث ساختار سازمانی نیز هیات تنظیم بازار برق ایران تنها محدود به اعضای هیات و یک دبیرخانه می‌باشد در حالیکه واحدهای پایشگر سایر بازارهای برق دنیا دارای ساختار سازمانی گسترده تری متشکل از تیمهای مختلف کاری پایشگر و ناظر و گروههای مشاور متخصص در زمینه‌های مختلف می‌باشند. انتشار عمومی گزارشهای پایش بازار و تهیه گزارشهای اختصاصی به مراجع ذی‌صلاح همچنین نظارت جدی بر رفتار بازیگران بازار و برخورد با بازیگران خاطی و متخلف در بازار از دیگر تفاوتهای آشکار ساختار فعلی نهاد پایشگر بازار برق ایران با واحدهای پایشگر سایر بازارهای برق دنیا می باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر در خصوص بازارهای برق کشورهای پیشرفته، چابکی هر یک از این بازارها در اصلاح ساختار و مقررات و رفع نقاط ضعف آنها یا به عبارتی پویایی و اصلاح مداوم بازارها پس از بازخوردگیری از نتایج بازار در دوره‌های مختلف زمانی می‌باشد. برای مثال می‌توان در این زمینه

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

به بازطراحی بازارهای برق انگلستان و ولز و کالیفرنیا پس از بروز نتایج ناکارآمد و وضع قوانین و مقررات جدید در این بازارها اشاره کرد. این در حالی است که بسیاری از ریزساختارهای معاملاتی که در ابتدای بازار برق ایران در نظر گرفته شده بود از جمله سقف قیمت سخت (انعطاف ناپذیر)، طراحی سیستم پرداخت به ازای پیشنهاد[1] به جای سیستم پرداخت یکنواخت[2]، بازار یک طرفه (عدم مشارکت خریداران در سمت کشف قیمت خرید برق)، عدم وجود بازار ساعت بعد[3] و ...همچنان بدون کوچکترین تغییری از سال ۱۳۸۲ در حال اجراست. این در حالی است که بسیاری از رویه‌های فوق نیاز به بازنگری دارند و اجرای بعضی نیز اساساً در حال حاضر توجیهی ندارد.

نکته‌ای که در خصوص بازطراحی بازارها باید در نظر داشت این است که رفع یک نقطه ضعف در یک بازار ممکن است باعث بروز و ظهور نقاط ضعف دیگر گردد. برای نمونه در ابتدای راه اندازی بازار تسهیلات اشتراکی در انگلستان و ولز بسیاری از صاحبنظران، ساختار متمرکز این بازار، ضعفهای نظارتی، تمرکز بالای بازار در سطح تولید و قابلیت دستکاری پرداختهای بابت آمادگی را مهمترین مشکلات این بازار برمی‌شمرند. رگولاتور بازار برق انگلستان و ولز در نهایت به این نتیجه رسید که هیچ یک از اقدامات تعدیلی رایج برای کاهش رقابت‌گریزی در بازار برق این کشور به طور کامل موفقیت آمیز نبوده‌اند. از این رو، در اکتبر ۱۹۹۸ دولت انگلستان تصمیم به تجدید ساختار بازار تسهیلات اشتراکی اجباری و طراحی بازار NETA گرفت. پس از تاسیس این بازار هر چند مشکل تمرکز بالای بازار مرتفع گردید اما مشکل محدودیتهای انتقال نمود بیشتری پیدا کرد. با توجه به ساختار ضعیف‌تر شبکه انتقال اسکاتلند در مقایسه با انگلستان و ولز، محدودیتهای انتقال در این منطقه موقعیتهای مناسبی را برای اعمال قدرت بازار محلی در این مناطق ایجاد می نمود. از طرف دیگر در حال حاضر نگرانی عمده رگولاتور بازار برق بریتانیا معطوف به مباحث قدرت بازار عمودی بازیگران است تا قدرت بازار افقی آنها. به عبارت دیگر، وجود شرکتهایی که در سطح تولید، توزیع و فروش برق همزمان فعالیت می‌کنند و می‌توانند در شرایطی اقدام به اعمال رویه های ضدرقابتی نمایند (Abd

1. Pay As Bid
2. Market Clearing Price
3. Hour ahead

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

(Jamil et al., 2007, 151. تجربه بازار برق انگلستان، مثال روشنی را در این زمینه ارائه می‌کند که چگونه تغییرات در طراحی یا ساختار یک بازار می‌تواند بر روی رژیم تعدیل رفتارهای ضدرقابتی برای تضمین رفتار کارآمد آن بازار تاثیرگذار باشد. تجربیات بازار برق انگلستان همچنین مؤید نیاز به انجام برخی دخالتهای بیرونی و حاکمیتی برای تعدیل رفتارهای ضدرقابتی در مراحل اولیه تشکیل بازارهای برق است.

همچنین آنچه از مطالعه تجربیات بازارهای برق کشورهای مختلف بر می‌آید وجود یک برنامه جامع و مستمر در سطح کلان اقتصاد کشورهای مذکور جهت رفع ایرادات و نواقص در مراحل ابتدایی بازار و پایش مستمر نتایج بازارها و انجام اقدامات اصلاحی متناسب با آن می باشد. به عبارت دیگر اقدامات تجدیدساختار و مقررات زدائی صنعت برق در کشورهای پیشرفته تنها به تشکیل بازار و وضع قوانین و سازوکارهای معاملاتی محدود نشده است بلکه این اقدامات به صورت یک فرآیند مستمر و پویا دنبال می شود و در هر مرحله از نتایج و نواقص مراحل قبل بازخورد می‌گیرد.

۹. خلاصه و نتیجه‌گیری

رقابت به معنای تلاش دو یا چند طرف برای بدست آوردن کار، محصول یا یک امتیاز تجاری متعلق به ثالث با پیشنهاد شرایط بهتر می‌باشد. یکی از شاخصه‌های بازارهای رقابتی عدم قدرت گردانندگان بازار در سوء استفاده از نوسانات تقاضا است. هدف اصلی حقوق رقابت، مبارزه با انحصار نامطلوب است زیرا در شرایطی منجر به تحمیل قدرت یک بنگاه گشته و فضای سالم رقابت در بازار را مختل می‌سازد. به همین سبب، نهادهای قانونگذار همواره جهت صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان، رقبا و به طور کلی تمامی آحاد جامعه، اهتمام ویژه‌ای به وضع قوانین لازم در این زمینه و تشکیل نهادهای ناظر بر مسائل رقابتی در بازارها معمول می‌دارند. این موضوع خصوصاً در زمینه خدمات و کالاهایی که دارای اهمیت ویژه‌ای در شئوون مختلف زندگی مردم بوده و پیشتر در قالب خدمات عمومی و از طریق صنایع دارای انحصار طبیعی ارائه می‌شده است، از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌گردد. بازارهای انرژی به طور عام و بازار کالای برق به طور خاص، از این دست بازارها می‌باشند.

ویژگی‌های خاص کالای برق از جمله عدم قابلیت ذخیره‌سازی و عدم کشش قیمتی تقاضا در کنار نبود کالای جایگزین برای برق (در اکثر مواقع)، اهمیت نظارت و توجه بیشتر به مسائل مرتبط با حقوق رقابت را در بازارهای برق پیچیده‌تر و دشواتر می‌نماید. علاوه بر تسلط بازار و تبانی که دو عامل مهم

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بروز رفتارهای ضد رقابتی در کلیه بازارها محسوب می‌شوند، کمیابی عرضه و محدودیتهای سیستم انتقال از دیگر عوامل اختصاصی به وجود آورنده رقابت گریزی در بازارهای برق محسوب می‌شوند. عواملی دیگری از قبیل تعداد بسیار کم شرکت‌کنندگان در بازارهای برق و نیاز به هزینه‌های سرمایه‌گذاری زیاد برای ورود به عرصه رقابت در سمت تولید نیز امکان بروز رفتارهای رقابتی را در این بازارها تشدید می‌نماید.

در بیشتر کشورها یک نهاد عمومی نظارت بر رقابت عمومی یا ضد انحصار وجود دارد که وظیفه بررسی و تحقیق از موارد مشکوک به رقابت‌گریزی‌های احتمالی را در کلیه بازارها بر عهده دارد. بنابراین، برای بیشتر صنایع، نیازی به وجود یک واحد پایش خاص یا یک تنظیم‌کننده ویژه احساس نمی‌شود، امّا بروز جهش‌های قیمتی در بازارهای برق کالیفرنیا، نیویورک، PJM، نیواینگلند و انگلستان و تبعات اجتماعی و سیاسی آن، توجه طراحان این بازارها را معطوف به غفلت آنها از نیاز به وجود یک واحد پایش تخصصی و اختصاصی در این زمینه نمود. هر یک از بازارهای مذکور با توجه به ویژگی‌ها و مختصات خود به صورت بومی نسبت به تاسیس نهادهای پایشگر اقدام نموده و به وضع قوانین و مقررات پیشگیرانه و اعمال مجازاتهای لازم مبادرت نموده‌اند.

برای اینکه یک نهاد تنظیم مقررات بتواند قوانین و مقررات اصولی و مناسب برای بخش تحت نظارت خود تصویب نماید، لازم است در ایجاد آن نهاد نیز برخی معیارها و اصول خاص رعایت شود. از لحاظ حقوقی نهاد تنظیم مقررات می‌بایست بر اساس قانون به وجود آمده باشد. همچنین اصول، رویه ها، فرآیندها و سیاست های تنظیم گری باید در قانون مشخص شده باشند. همچنین نهاد تنظیم گر، در حیطه حوزه قانونی خود باید قدرت تصمیم‌گیری نهایی داشته باشد، بدون اینکه برای تصمیم اتخاذ شده، نیاز به دریافت تأیید از هیچ نهاد یا سازمان دولتی دیگری داشته باشد. این قدرت تصمیم‌گیری، مهمترین رکن استقلال نهاد تنظیم مقررات است. استقلال نهادها شامل چهار مقوله سازمانی، کارکنان، مالی و کارکردی می شود. همچنین لازم است نهادهای تنظیم کننده مقررات گزارش های سالانه‌ای را در باب فعالیت‌های خود منتشر کرده و امکان بازبینی آن را نیز توسط بازرسان مستقل یا کمیته‌های قانونی ذی صلاح فراهم نمایند. علاوه بر این در صورت تخطی یا عملکرد ناصحیح هرکدام از اعضای نهادهای تنظیم کننده مقررات، امکان معزول نمودن و برکناری آن ها نیز می‌بایستی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر تنظیم گر باید به مجلس و دیگر نهادهای دولتی مربوطه پاسخگو باشد.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

هر چند در اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشاراتی به قواعد حقوق رقابت شده است اما در عمل، حقوق رقابت، از مباحث جدیدی است که در کشور همزمان با اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح گردیده است. کلیات موضوعات حقوقی مربوط به حقوق رقابت در لایحه سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ مورد اشاره قرار گرفته است. براساس ماده ۵۳ این قانون، شورای رقابت به عنوان یک نهاد تنظیم کننده مقررات (رگولاتور) فرابخشی تشکیل شده است. وظایف این شورا، در ذیل فصل نهم قانون مذکور تشریح شده است. در این قانون اشاره شده است که شورای رقابت می‌تواند در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است (از جمله صنعت برق)، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم‌کننده بخشی را برای تصویب به هیأت وزیران ارائه و قسمتی از وظایف و اختیارات تنظیمی خود (نه تمام آن) در حوزه مزبور را به نهاد تنظیم‌کننده بخشی واگذار نماید. لازم به ذکر است که تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی، رسیدگی به شکایات و تصمیم گیری در خصوص مجازاتها و اموری از این قبیل، شورای رقابت است و نهادهای تنظیم‌کننده بخشی (از جمله نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی در حوزه برق) تنها می‌توانند به عنوان شاکی یا اطلاع دهنده در شورا اعلام شکایت نمایند و وظایف آن‌ها محدود به اموری است که شورا در حوزه کالا یا خدماتی خاص که دارای انحصار طبیعی است به آن‌ها واگذار کرده است. تا کنون هیچ نهاد تنظیم‌کننده بخشی به پیشنهاد شورای رقابت به تصویب هیات وزیران نرسیده است. این در حالی است که در دو صنعت مخابرات و برق (دو صنعت دارای خصوصیات انحصار طبیعی)، حتی پیش از ابلاغ قانون لایحه اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی و به دنبال آن تشکیل شورای رقابت، بنا به ضرورت دو نهاد تنظیم کننده (رگولاتور) تشکیل شده بود.

هیأت تنظیم بازار برق ایران به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های معاونت امور برق وزارت نیرو، در سال ۱۳۸۲ در راستای ایجاد بسترهای لازم برای تجدید ساختار صنعت برق تشکیل شد و هم‌اکنون به عنوان نهاد تنظیم‌کننده مقررات در بازار برق ایران فعالیت می‌کند. به طور عمومی می‌توان وظایف اصلی نهاد تنظیم بازار برق ایران را تدوین و تصویب دستورالعمل‌ها، توسعه بازار رقابتی و تشکیل بورس برق، پیشنهاد تصویب برخی مقررات توسط نهادهای ذی صلاح، حل اختلافات بازیگران بازار، اجرای صحیح مقررات و سایر امور مرتبط با اداره صحیح بازار دانست. مطابق آیین نامه تعیین شرایط و روش خرید و فروش برق در شبکه برق کشور مصوب هیات وزیران، هیات تنظیم می‌تواند نسبت به تعلیق یا ابطال پروانه شرکت در

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بازار متخلفان و اخلال‌گران عرصه رقابت اقدام نماید. ارجاع به محاکم قضایی جهت برخورد با موارد تبانی در بازار و همچنین تدوین مقررات برای کنترل سهم بازار بازیگران بزرگ و تفکیک آنها به شرکتهای کوچک‌تر و پیشنهاد آن به وزیر نیرو از دیگر اختیارات هیات تنظیم بازار برق در راستای مقابله و برخورد با رویه‌های ضد رقابتی و پیشگیری از محدود شدن رقابت در بازار برق می‌باشد.

مطابق "رویه اجرائی پایش راهبردی و عملیاتی" مصوب هیات تنظیم بازار برق ایران، واحد پایش راهبردی مسوول و متولی برخورد قانونی، با هرگونه تبانی و یا اقدامی که عرضهٔ برق و یا رقابت سالم در خرید و فروش برق را خدشه‌دار کند، بر اساس مفاد نظام‌نامه بازار برق می‌باشد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که قوانین و مقررات موجود در خصوص صیانت از حقوق رقابت در بازارهای برق در چارچوب وظایف و مسئولیتهای هیات تنظیم بازار برق ناقص، مبهم و فاقد الزام آوری می‌باشد. همچنین این هیات نیز تا کنون ورود جدی و قابل ملاحظه‌ای در این حوزه نداشته است.

بازار برق ایران دارای برخی مشکلات ساختاری و مقرراتی است که نیاز توجه بیشتر به مسائل حقوق رقابت را نمایان می‌سازد. از نظر ساختاری اگر چه بیشتر مطالعات انجام شده حاکی از وضعیت نسبتاً قابل قبول شاخصهای ساختاری قدرت بازار در بازار برق ایران هستند اما در عین حال این تحقیقات نشان می‌دهد که بازار برق کشور به لحاظ ساختاری پتانسیل بروز رفتار غیر رقابتی را دارد. از سوی دیگر شاخص‌های ارزیابی استقلال بازار نشان دهنده عدم استقلال بازار برق ایران از تولید بازیگران آن است. این امر که ناشی از کمیابی عرضه به خصوص در زمان‌های پیک می‌باشد، می‌تواند یک هشدار جدی برای وجود پتانسیل اعمال قدرت بازار محسوب شود. همچنین با توجه به زیر ساختهای بعضاً ضعیف سیستم انتقال در برخی نقاط شبکه قدرت ایران، پرشدگی سیستم انتقال نیز یکی از عوامل بروز قدرت بازار محلی در مناطقی از شبکه سراسری محسوب می‌شود. از دیگر مشکلات ساختاری بازار برق ایران، می‌توان به ساختار کماکان دولتی صنعت برق و وجود تفکرات سنّتی و تصدی‌گرایانه در بخشهایی از مدیریت این صنعت نام برد. در این ساختار دولتی، مشابه بنگاه‌های خصوصی تفکر بیشینه سازی سود و حداکثر کردن بازدهی و حداقل کردن هزینه‌ها به چشم نمی‌خورد به ویژه آنکه نظام تخصیص بودجه شرکت‌های مذکور نیز بر اساس نحوه عملکرد و کارایی آنها در بازار نیست. بنابراین مشاهده می‌شود که برخی بازیگران دولتی بازار برق چندان دغدغه رقابت در بازار و افزایش سود و بازدهی را ندارند. عدم وجود گردش مالی واقعی ناشی از معاملات از دیگر معضلات بازار

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

برق کشور می‌باشد. عامل دیگر مساله فرار از شناسایی سود برای رهایی از پرداخت مالیات در بخشهای دولتی می‌باشد. وجود اختلافات قابل ملاحظه بین نتایج آرایش تولید بازار و نتایج بهره‌برداری واقعی واحدها در زمان حقیقی توسط مرکز کنترل و راهبری شبکه، عدم وجود آموزش کافی و مناسب بازیگران بازار برق برای حضور موثر در بازار نیز از دیگر عوامل بروز رفتارهای غیر رقابتی در بازار برق ایران به شمار می‌روند.

بررسی و مطالعه هر یک از بازارهای برق دنیا از دیدگاه مسائل رقابتی حاکی از وجود نقاط ضعف و قدرت هر کدام از این بازارها از حیث ساختار، چارچوب مقرراتی و رفتار بازیگران می باشد. مقایسه عوامل ساختاری بازار برق ایران با موارد مشابه در سایر بازارهای برق دنیا حاکی از وجود برخی تشابهات و اشتراکات در این زمینه است، این مقایسه ها نشان می دهد از حیث شاخصهای ساختاری تمرکز بازار، شرایط بازار برق ایران نسبتاً قابل قبول بوده و در مقایسه با شرایط آغازین بازار در بسیاری از بازارهای برق مطرح دنیا، سهم بازار به طور نسبتاً مناسبی بین بازیگران بازار توزیع شده است. محدودیتهای انتقال نیز در مقایسه با بسیاری از بازارهای برق کشورهای در حال توسعه فرصتهای کمتری را جهت سوء استفاده بازیگران از اعمال قدرت بازار محلی در اختیار آنها قرار می دهد. هر چند وابستگی بازار به تولید بازیگران بازار به ویژه در زمانهای پیک سال یک دغدغه جدی برای بروز رفتارهای غیر رقابتی محسوب می شود.

اما نکته اساسی که بازار برق ایران را از سایر بازارهای برق پیشرفته دنیا از حیث مسائل حقوق رقابت متمایز می‌کند تفاوتها در چارچوب مقرراتی و برنامه جامع نظارتی بازار برق می باشد. عدم وجود جایگاه قانونی مستحکم، عدم استقلال نسبی اعضا، عدم وجود ساختار سازمانی مناسب و متناسب با نیاز برای پایش بازار برق ایران، عدم انتشار گزارش‌های عمومی بازار و برخورد جدی با خاطیان و متخلفان از نقاط ضعف اساسی هیات تنظیم بازار برق ایران (به عنوان متولی فعلی پایش بازار برق عمده فروشی کشور) در مقایسه با نهادهای پایشگر در سایر بازارهای برق دنیا می‌باشد. تفاوت مهم دیگر بازار برق کشور با بازارهای برق کشورهای پیشرفته، چابکی بازارهای برق مطرح دنیا در اصلاح ساختار و مقررات و رفع نقاط ضعف آنها می باشد. این درحالی است که بسیاری از ریزساختارهای معاملاتی در بازار برق ایران با وجود گذشت بیش از ۱۶ سال هنوز مورد اصلاح و بازنگری قرار نگرفته اند. تجربه بسیاری از بازارهای برق دنیا، مثال روشنی را در این زمینه ارائه می‌کند که چگونه تغییرات در طراحی یا ساختار

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

یک بازار می‌تواند بر روی رژیم تعدیل رفتارهای ضد رقابتی برای تضمین رفتار کارآمد آن بازار تاثیرگذار باشد. این تجربیات همچنین مؤید نیاز به انجام برخی دخالتهای بیرونی و حاکمیتی برای تعدیل قدرت بازار در مراحل اولیه تشکیل بازارهای برق است. همچنین آنچه از مطالعه تجربیات بازارهای برق کشورهای مختلف بر می‌آید وجود یک برنامه جامع و مستمر در سطح کلان اقتصاد کشورهای مذکور جهت رفع ایرادات و نواقص در مراحل ابتدایی بازار و پایش مستمر نتایج بازارها و انجام اقدامات اصلاحی متناسب با آن می باشد. به عبارت دیگر اقدامات تجدیدساختار و مقررات زدائی صنعت برق در کشورهای پیشرفته تنها به تشکیل بازار و وضع قوانین و سازوکارهای معاملاتی محدود نشده است بلکه این اقدامات به صورت یک فرآیند مستمر و پویا دنبال می شود و در هر مرحله از نتایج و نواقص مراحل قبل بازخورد می گیرد. این در حالی است که با گذشت حدود دو دهه از آغاز تجدیدساختار صنعت برق در کشور همچنان شاهد آزمون و خطا در دوره های مختلف زمانی در حوزه خصوصی سازی و واگذاری نیروگاهها و شرکتهای توزیع و تغییر در نگرش و رویکرد در این زمینه ها هستیم. نبود برنامه جامع در زمینه اصلاحات در صنعت برق در سطح کلان اقتصاد کشور باعث کمرنگ شدن نتایج حاصل از تشکیل بازار برق در کشور شده است.

یکی از راههای برون‌رفت از مشکلات فوق می‌تواند تاسیس نهاد تنظیم مقررات بخشی در حوزه برق باشد. تشکیل نهاد مذکور علاوه بر رفع ایرادات و نواقص هیات فعلی تنظیم بازار برق ایران همچون عدم استقلال و ضعف در ساختار تشکیلاتی می‌تواند نوید دهنده ایجاد یک برنامه جامع و کلان جهت انجام اصلاحات در صنعت برق کشور باشد. با ایجاد نهاد مذکور و حضور فعال بخش خصوصی در اتخاذ تصمیمات آن همچنین لزوم پاسخگویی این نهاد به مردم، فعالان بخش خصوصی و سایر مراجع می توان انتظار سیاست گذاری صحیح و اصولی در زمینه رفع موانع بروز رفتارهای ضد رقابتی در بازار برق ایران را داشت. در صورت ریل گذاری صحیح و اصولی قواعد بازار برق کشور با استفاده از سازوکارهای بازار محور، بی شک بسیاری از مشکلات فعلی بازار برق ایران از جمله کمیابی عرضه، محدودیتهای سیستم انتقال، کمبود نقدینگی، بی انگیزگی مشارکت کنندگان بازار و ... در یک افق زمانی معین قابل رفع می باشد. شکل‌گیری این نهاد در شرایط فعلی صنعت برق که وزارت نیرو از یک طرف نیاز به توسعه سریع زیرساختهای تولید و انتقال برای پاسخگویی به نیاز فزاینده برق در کشور دارد و از یک طرف دارای بدهی‌های کلان به بخش خصوصی می‌باشد همچنین در شرایطی که

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

بخش خصوصی نیز جهت ورود و مشارکت بیشتر در این صنعت نیازمند دریافت تضامین مقرراتی لازم و پوشش ریسک تغییر قوانین و مقررات در حوزه قیمت‌گذاری برق می باشد، امری ضروری و حتمی به نظر می‌رسد.

منابع

[۱] آقایی، بهمن (۱۳۷۸)، "فرهنگ حقوقی بهمن"، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

[۲] اصغرنیا، مرتضی (۱۳۸۹)، " بررسی حقوقی نهاد تنظیم‌کننده مقررات بخشی در صنعت برق ایران"، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

[۳] خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۸۸)، " دیدگاههای مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران"، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۵۱، ۴۰-۲۵.

[۴] دشت بزرگی، محمود و حسن علی آبادی (۱۳۹۳)، "تجدید ساختار و ایجاد رقابت در صنعت برق مطالعه موردی، بازار برق ایران"، هفتمین کنفرانس نیروگاه های برق.

[۵] ربیعی، مریم؛ ممی پور، سیاب و کیومرث حیدری (۱۳۹۵)، "ارزیابی قدرت بازار در بازار برق ایران با تاکید بر شرایط نیروگاه ها در شبکه"، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی شماره ۲، ۱۰۱-۷۵.

[۶] رستمی، ولی و لیلی مقیمی (۱۳۹۶)، "بررسی چگونگی تشکیل نهادهای تنظیم مقررات انرژی در کشور با رویکرد تطبیقی"، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، پاییز و زمستان ، ۲۵۴-۲۱۹.

[۷] شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، "حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا"، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

[۸] شرکت مهندسین مشاور موننکو ایران (۱۳۹۲)، "تجدید ساختار در صنعت برق"، چاپ اول، انتشارات شیوه.

[۹] صادقی، حسین و کاظم بیابانی خامنه (۱۳۹۴)، "بهینه سازی مالی در بازار برق: کاربرد نظریه پرتفوی"، نشریه انرژی ایران، دوره ۱۸، شماره ۱: ۵۴-۳۹.

[۱۰] صادقی مقدم، محمد حسن و بهنام غفاری فارسانی (۱۳۹۰)، " روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)"، مجله حقوق دادگستری، شماره ۷۳: ۱۴۶-۱۱۳.

[۱۱] عسگری، محمد حسین (۱۳۹۶)، "آشنایی با بازارهای خدمات جانبی برق"، چاپ اول، تهران، انتشارات نظری.

[۱۲] فقیه عبدالهی، ام لیلا و روح‌اله موذنی (۱۳۹۷)، "بررسی نهادهای تنظیم کننده بازار برق در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره : ۲۲۰-۱۹۳.

[۱۳] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]

[۱۴] قدک (۱۳۸۷)، "تقریرات درس حقوق رقابت کارشناسی ارشد مالکیت فکری شهید بهشتی".
[۱۵] لایحه اجرائی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، مصوب هشتم بهمن ماه هـزار و سیصـد و هشـتاد و شش توسط مجلس شورای اسلامی.
[۱۶] لاجوردی، حسن (۱۳۸۳)، بازار و کارایی (بررسی مورد بازار برق ایران)، پنجمین همایش کیفیـت و بهره‌وری در صنعت برق.
[۱۷] منصف، حسن و محمد حسین عسگری (۱۳۸۸)، "رقابت گریزی در بازارهای بـرق و روش‌هـای کاهش آن"، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت نیرو.
[۱۸] مقیمی، لیلی و مهدی فرهادخانی (۱۳۹۵)، "ارزیابی قابلیتهای ساختاری هیات تنظیم بـازار بـرق ایران"، کنفرانس بین المللی برق.
[۱۹] منظور، داود و حمید عسگری آزاد (۱۳۸۷)، "ارزیابی الگوی اصلاحات صـنعت بـرق در ایـران بـا تمرکز بر اصل ۴۴ قانون اساسی"، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۱۶: ۷۹-۳۵.
[۲۰] منظور، داود و لیلی نیکان (۱۳۹۱)، "حقوق مالی انتقال: حلقه مکمل در تجدیـد سـاختار صـنعت برق"، نشریه انرژی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲: ۲۰-۱.
[۲۱] ناظمی، علی؛ خوش اخلاق، رحمان؛ عمادزاده، مصطفی و علیمراد شریفی (۱۳۹۰)، "برآورد قدرت بازار در بازار برق عمده فروشی ایران"، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره۴: ۵۵-۳۱.
[22] Abd Jamil and Ahmad Fairuz (2007), "Market Power in the Great Britain Wholesale Electricity Market", Mechanical Engineering Department, University of Strathclyde, Glasgow.
[23] Alexander Gee (2017),"Competition Enforcement by the European Commission in 2017".
[24] Asgari, M. H. and Monsef, H. (2010), "Market power Analysis for the Iranian electricity market ", Elsevier Energy policy, 38(10): 5582–5599.
[25] European Electricity Transmission System Operators (ETSO) (2004), "A Review of the Monitoring of Market Power :The Possible Roles of TSOs in Monitoring for Market Power Issues in Congested Transmission Systems".
[26] Kirschen, D.S.and Strbac, G. (2004)," Fundamentals of Power System Economics": Chichester, First ed. John Wiley and Sons.
[27] Oxford dictionary of Law, (2010), Oxford University Press-Forth Edition.
[28] Razeghi, Ghazal, et al. (2017), "Impact of electricity deregulation in the state of California", Elsevier Energy Policy Journal .103:.105-115.
[29] Twomey, Paul, et al. (2004), " A Review of the Monitoring of Market Power", Cambridge Working Papers in Economics.
[30] Yaffe, David P, et al., (2018), "Why capacity markets are the Fitbits of the electric utility industry", Elsevier Electricity Policy Journal .31(3): 32-38.

[Downloaded from necjournals.ir on 2026-11-07]